

۳
افقمحکومیت اشغال
مخالفت جامعه ملل با اشغال غزه۴
تاشاحاشیه‌سازی ساترا
درباره فشار بر سووشون و کارناوال۶
توسعهرو به افول
نتایج قیمت‌گذاری محصولات لبنی۷
کوچهکارخانه تولید سکوت
درباره وضعیت رسانه‌ها و خبرنگاران

اضطراب جلیلی

توتیت سعید جلیلی و تشبیه مذاکره
به گوساله سامری حاشیه‌ساز شد۲
سیاست

سرمقاله

قدردانی از ملت؛

وظیفه امروز حاکمیت

یکی از نگرانی‌های جدی این روزها
دیدگاه‌های افراطی و رفتارهای
خارج از عرف سیاسی و اجتماعی است

سیدحسین مرعشی



دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در شرایط حساس کنونی که ایران هدف حملات غیرقانونی و ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا قرار گرفته، یکی از نکات کلیدی و تحسین‌برانگیز، انسجام و هوشیاری مثال‌زدنی ملت ایران بوده است. این حملات نه تنها باعث تضعیف روحیه مردم نشد بلکه موجب شد، ملت ما در قامت یک جامعه رشید، آگاه و توانمند ظاهر شود؛ ملتی که در برابر فشارها ایستاد، متانت نشان داد و به شکلی دقیق، سخاوتمندانه و هوشمندانه واکنش نشان داد. این انسجام اجتماعی و ملی، سرمایه‌ای استراتژیک و گران‌بهاست که باید آن را قدر دانست و از آن در جهت تقویت توان داخلی کشور بهره برد. این پشتوانه مردمی، فرصت بی‌نظیری برای هر هیأت مذاکره‌کننده‌ای در جمهوری اسلامی ایران است تا با اتکال به ملت، مواضع ملی را با قدرت پیگیری کنند. در چنین شرایطی، تجلیل از مردم نه یک عمل نمادین بلکه یک وظیفه سیاسی و اخلاقی برای همه مسئولان نظام است؛ از قوای سه‌گانه گرفته تا نهادهای بالادستی.

ملت ایران با تمام وجود نشان داد که پای کشور، عزت ملی و استقلالش ایستاده است. اکنون نوبت حاکمیت است که به واسطه این همراهی عظیم، پاسخی درخور و شایسته ارائه دهد. مردم باید ببینند که صدایشان شنیده می‌شود، خواسته‌هایشان درک می‌شود و مطالباتشان به تصمیم‌های اجرایی منجر می‌شود. این تنها راهی است که می‌توان سرمایه اجتماعی به‌دست آمده را حفظ کرد و آن را در مسیر حل مشکلات کشور به کار گرفت.

دولت، مجلس، قوه قضائیه و سایر نهادها باید به فوریت کمیته‌ها و هیأت‌هایی را مأمور کنند تا با رصد دقیق وضعیت کشور، گره‌های معیشتی، اجتماعی و سیاسی مردم را شناسایی کرده و در جهت رفع آنها اقدام کنند. بخش بزرگی از مشکلات اجتماعی، ناشی از سخت‌گیری‌های بی‌مورد است به‌ویژه در حوزه‌های مربوط به آزادی‌های اجتماعی و حقوق شهروندی زنان.

در کنار مسائل اجتماعی، توجه به مشارکت سیاسی نیز ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی است. مردم باید احساس کنند همان‌گونه که در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها سهیم بودند، امروز نیز نقش اساسی در هدایت کشور دارند. امیرالمؤمنین ام‌ام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر تأکید می‌کند که حاکم باید رضایت عمومی را بر رضایت خواص ترجیح دهد. این سخن، چراغ راهی است برای همه مسئولان جمهوری اسلامی. اگر امروز احساس می‌شود که در برخی سطوح تصمیم‌گیری، رضایت گروه‌های خاص و اقلیت‌های بانفوذ بر منافع عمومی ترجیح داده می‌شود، این یک خطای راهبردی است که باید اصلاح شود.

مردم ایران با نجابت و آگاهی خود، نشان دادند که همچنان به آرمان‌های استقلال و عزت ملی وفادارند. اکنون زمان آن است که سیاست‌ورزان، به‌ویژه مسئولان بلندپایه، با اصلاح ساختارهای معیوب و بهبود روش‌های حکمرانی، اعتماد عمومی را بازسازی کنند.

یکی از نگرانی‌های جدی این روزها، ظهور و بروز دیدگاه‌های افراطی و رفتارهای خارج از عرف سیاسی و اجتماعی است.

| ادامه در صفحه ۲

اعتراض هواداران حزب الله

طرح آمریکایی دولت لبنان برای خلع سلاح کامل حزب الله
واکنش‌های زیادی در این کشور برانگیخت
سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



گروه بین‌الملل: کابینه لبنان سه‌شنبه گذشته جلسه‌ای را با محوریت تعیین تکلیف سلاح حزب الله و انحصار آن در دست دولت لبنان تشکیل داد که بسیاری بر این عقیده بودند، خروجی این جلسه نمی‌تواند خلع سلاح مقاومت لبنان را در بطن خود داشته باشد و حتی تحلیل‌ها بر این مبنا استوار بود که چندین ماه بررسی این طرح به طول خواهد انجامید. در این راستا برخی از منابع لبنانی اعلام کردند که وزرای نماینده حزب الله و جنبش امل مانند راکان ناصرالدین و تمارا الزین از جلسه هیات دولت پیرامون انحصار سلاح در دست دولت مرکزی و قبل از اینکه جلسه مذکور به اتمام برسد، خارج شدند و همین موضوع نشان می‌داد که اختلاف‌ها در کابینه در مورد این طرح به صورت کاملاً ملموس قابل مشاهده است؛ چراکه اساساً خلع سلاح حزب الله موضوعی است که از قدیم‌الایام به عنوان خط قرمز در این کشور محسوب می‌شد و بارها هم در مورد آن نزاع‌های سیاسی در گرفته است. اگرچه نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان پس از پایان جلسه سه‌شنبه اعلام کرد که بررسی پیشنهاد آمریکای پنج‌شنبه تکمیل می‌شود اما او در نهایت اعلام کرد که ارتش لبنان مکلف شده، طرح اجرایی برای انحصار سلاح تا پیش از پایان سال جاری وضع کند و تصریح کرد که ارتش مکلف شده، طرح وضع شده را تا پیش از ۳۱ آگوست به دولت ارائه دهد.

| ادامه در صفحه ۳





سال هشتم شماره ۲۰۳۵
شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

اخبار رسمی

دو انتصاب

انتصاب احمدیان و شمخانی
به عنوان نمایندگان رهبری در شورای دفاع



رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی آقایان دکتر علی‌اکبر احمدیان و علی شمخانی را به عنوان نمایندگان خود در شورای دفاع منصوب کردند. متن حکم به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

با عنایت به تصویب و تشکیل شورای دفاع، جناب آقای دکتر علی‌اکبر احمدیان و جناب آقای شمخانی را به نمایندگی خود در آن شورا منصوب می‌کنم. توفیق ایشان و دیگر اعضای آن شورا را از خداوند مسألت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای
شانزدهم مرداد ۱۴۰۴

ادامه سرمقاله

قدردانی از ملت؛

وظیفه امروز حاکمیت

برخی چهره‌های سیاسی تندرو با اظهارات غیرمسئولانه و اقدامات نمایشی، چهره‌ای غیرواقعی از خواست عمومی ترسیم می‌کنند. این افراد، اگرچه حق اظهار نظر دارند اما نباید به گونه‌ای سخن بگویند یا عمل کنند که گویا نماینده کل ملت‌اند.

نظام سیاسی جمهوری اسلامی، برای بقای خود، باید مردم را بر خودی‌ها ترجیح دهد؛ چراکه این مردماند که پایه‌های اصلی حکومت را شکل می‌دهند. نباید اجازه داد که گروه‌های خاص با دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه، فضای عمومی کشور را متشنج کنند یا در مسیر مصالح کلان ملت، اخلاخ ایجاد کنند.

در کنار این مسائل سیاسی و اجتماعی، نمی‌توان از بحران اقتصادی حاکم بر زندگی مردم چشم‌پوشی کرد. شرایط معیشتی جامعه در حال حاضر بسیار دشوار است. هزینه‌های زندگی رو به افزایش است و توان مالی بسیاری از خانوارها در حال فرسایش. اگر دخل و خرج مردم با یکدیگر هم‌خوانی نداشته باشد، جامعه در بلندمدت به سمت نارضایتی، فروپاشی اعتماد و حتی بحران‌های عمیق‌تر سوق پیدا خواهد کرد.

دولت باید با شجاعت و تدبیر، وارد مرحله‌ای از اصلاحات اقتصادی شود که نتیجه آن بهبود واقعی و ملموس در زندگی مردم باشد. کاهش هزینه‌های زائد دولت، مدیریت اصولی بودجه، جلوگیری از رخت‌وپاش‌ها و هدایت منابع مالی به‌سمت توسعه زیرساخت‌های رفاهی از جمله اقداماتی است که باید در دستور کار قرار گیرد.

قدردانی از ملت تنها با سخنرانی، شعار و تبلیغات تحقق نمی‌یابد. این قدردانی باید خود را در سیاست‌گذاری‌ها، در کاهش فشار اقتصادی، در رفع موانع اجتماعی و در گسترش آزادی‌های مشروع و قانونی نشان دهد.

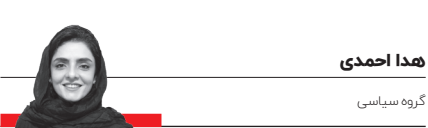
ملت ایران، شایسته بهترین‌هاست. ملتی که در کوران بحران‌ها، با صبر و تدبیر، با شجاعت و وفاداری کنار کشور ایستاده، امروز بیش از همیشه نیاز به توجه واقعی دارد. امید است که مسئولان در همه سطوح حاکمیت، قدر این ملت را بدانند و با اصلاح رویکردها، پاسخ مناسبی به وفاداری و نجابت مردم بدهند.

جمهوری اسلامی ایران، اگر بخواهد آینده‌ای روشن، باثبات و توسعه‌محور را تجربه کند باید از این سرمایه اجتماعی عظیم حراست کند. باید با ریشه‌کن کردن نابرابری‌ها، پایان دادن به تبعیض‌ها، بازسازی اعتماد عمومی و توجه ویژه به مشارکت سیاسی و رفاه اجتماعی، زمینه را برای همدلی پایدار میان ملت و حاکمیت فراهم کند.

در نهایت، این‌مردماند که بار اصلی نظام را به دوش می‌کشند و این نظام، اگر از مردم جدا شود، دوام نخواهد داشت. امروز، وقت آن است که جمهوری اسلامی نه با شعار بلکه با عمل، ثابت کند که حامی واقعی مردم خویش است.

اضطراب جلیلی

توثیت سعید جلیلی و تشبیه مذاکره به گوساله سامری حاشیه‌ساز شد



واکنش‌های تند و شتاب‌زده سعید جلیلی و چهره‌های جبهه پایداری به انتصاب علی‌لاریجانی به دبیری شورای عالی امنیت ملی، تنها یک اختلاف سیاسی ساده نیست بلکه نشانه‌ای است از یک ترس عمیق و ساختاری. گویا آنها نگران بازگشت گفتمان مذاکره، اعتدال و عقلانیت به ساختار امنیتی کشورند. نگران آن که معادله قدرت از دست‌شان خارج شود و دوباره پرونده‌های دیپلماسی از حاشیه به متن تصمیم‌گیری بازگردد. ترس واقعی‌شان، نه از لاریجانی که از پایان انحصار در روایت‌سازی امنیت ملی است. آنها از چه می‌ترسند؟

ماجرای از ساعاتی پس از آن شروع شد که رئیس‌جمهور پزشکیان، حکم دبیری شورای عالی امنیت ملی را به علی‌لاریجانی سپرد. همان موقع زنگ هشتدار در اردوگاه اصولگرایان تدریجاً به صدا درآمد. نخستین و تندترین واکنش از آن سعید جلیلی بود. چهره‌ای که خود مدت‌هاست بر کرسی دبیرخانه همین شورا تکیه زد و سال‌هاست که سیاست خارجی و امنیتی را از زاویه‌ای به شدت تقابلی و ضدمذاکره تحلیل می‌کند.

او در یک رفتار کم‌سابقه، در کمتر از چند ساعت، چهار توثیت پیاپی منتشر کرد. توثیت‌هایی مملو از استعاره‌ها، هشتدارهای تکراری درباره خطر مذاکره و مقایسه‌های تاریخی که همگی بر یک پیام مرکزی تأکید داشتند: بود زیرا به عقیده تحلیلگران، بازگشت جریان لاریجانی به تصمیم‌سازی، برابر با بازگشت گفتمان مذاکره است؛ و از دید جلیلی، این مسیر «خطرناک» است. اما چرا این موج واکنش‌ها با چنین سرعت و شدتی بلافاصله پس از انتصاب لاریجانی آغاز شد؟ آیا آنچه می‌بینیم صرفاً یک موضع‌گیری سیاسی معمولی است یا نشانه‌ای از یک ترس عمیق‌تر در میان بخشی از اصولگرایان و پایداری‌ها نسبت به تغییر موازنه در نهادهای حساس کشور؟

نگران مذاکره

سعید جلیلی که در سال‌های اخیر خود را به عنوان نماد تفکر «مقاومت مطلق» و مخالفت با هرگونه دیپلماسی فعال با غرب مطرح کرده بلافاصله پس از اعلام انتصاب علی‌لاریجانی، رشته توثیتی منتشر کرد که محتوای آن بیش از هر چیز نشان‌دهنده یک اضطراب جدی نسبت به تغییر آرایش قدرت در حوزه امنیت ملی بود. او در توثیت نخست نوشت: وقتی شما در زمان مناسب، مقابل ظلم ظالمان نایبستید، آنها به نقطه‌ای خواهند رسید که امروز تمام جهان، جنایات‌شان را مشاهده می‌کنند و مردم یک منطقه را با گرسنگی و انواع حملات به شهادت می‌رسانند.» این توثیت که به وضوح اشاره به وضعیت غزه و جنایات اسرائیل دارد با این مضمون ادامه یافت که ایستادگی نکردن در برابر ظلم، زمینه‌ساز فجایع بزرگ‌تری در آینده خواهد شد. اما جلیلی در توثیت دوم به یک مقایسه جنجالی و بحث‌برانگیز روی آورد: خداوند برای بنی‌اسرائیل پیامبری فرستاد تا آنها را از ظلم فرعون برهاند اما آنها پس از پیروزی بر فرعون وقتی ۴۰ روز پیامبرشان به کوه طور رفت گوساله‌پرست شدند؛ عده‌ای نیز امروز پس از اینکه دشمن در وسط مذاکره به ما حمله کرد و ملت ایران پیروز شد، مجدد دم از مذاکره می‌زنند.» مخاطب این استعاره به وضوح طرفداران گفتمان دیپلماسی و مذاکره در سیاست خارجی است و انتشار این توثیت، آن هم درست بعد از انتصاب لاریجانی حامل یک پیام مستقیم است: جلیلی، لاریجانی

پارلمان

اعلام وصول طرح «نظام بخشی فضای مجازی»

پس از پس گرفتن لایحه دولت، طرحی تازه برای مدیریت فضای مجازی به پارلمان رفت!

طرح «نظام بخشی فضای مجازی» روز یک‌شنبه ۱۲ مرداد ماه در مجلس دوازدهم اعلام وصول شد. این در حالی است که دولت پیش‌تر لایحه دوفوریتی مقابله با محتوای خلاف واقع در فضای مجازی را به دنبال واکنش منفی افکار عمومی پس گرفته بود. منتقدان آن لایحه را بازتولید طرح جنجالی «صیانت از فضای مجازی» می‌دانستند و باور داشتند به بهانه مقابله با فیک‌نیوز و شایعات، محدودیت‌هایی علیه کاربران و شبکه‌های اجتماعی اعمال خواهد شد.

با کنار رفتن آن لایحه، حالا طرحی تازه با عنوان «نظام بخشی فضای مجازی» در دستور کار مجلس قرار گرفته، هرچند هنوز



انقلاب را هم پشتوانه موضع خود قرار داد: «اینکه رهبری می‌فرماید جهت‌گیری‌ها مهم هستند، ناظر بر همین موضوع است». به هر حال واضح است که او در تلاش است با برجسته‌سازی دیدگاه خود به عنوان یگانه تفسیر مشروع از سخنان رهبری، دیگر قرائت‌ها را خارج از دایره «جهت‌گیری صحیح» معرفی کند.

پایداری‌ها نگران چه هستند؟

جبهه پایداری و جریان نزدیک به سعید جلیلی به سرعت هم‌صدا شدند. امیرحسین ثابتی، مشاور سابق جلیلی در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری، برداشت من از آمدن لاریجانی به دولت و قرار گرفتن در جایگاه دبیر شورای عالی امنیت ملی این است: انتصاب لاریجانی بیشتر جنبه کارکردی دارد. یعنی ضعف‌های بزرگ رئیس‌دولت (پزشکیان) در اداره کشور و عدم شناخت او از مشکلات قرار است با یک رئیس‌دولت در سایه (لاریجانی) رفع شود. چون شورای عالی امنیت ملی نزدیک‌ترین جایگاه مدیریتی به ریاست‌جمهوری است و می‌تواند دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های مختلف را با هم هماهنگ کند. او ادامه داد: برایش آرزوی توفیق دارم تا بتواند ولو اندک به تقویت دولت کمک کند چون هیچ اولوی‌تی بالاتر از کمک به دولت برای حل مشکلات کشور نیست هرچند رویکردهای لاریجانی، تفاوت بنیادینی با پزشکیان و روحانی ندارد و از این جهت نمی‌توانم خیلی خوشبین باشم.» تعبیر «رئیس‌دولت در سایه» از سوی ثابتی، کلیدواژه‌ای مهم در این تحلیل است. از نظر او، لاریجانی نه‌فقط یک انتصاب عادی بلکه یک عامل توازن‌دهنده و حتی هدایت‌گر بالقوه دولت است، آن هم در حوزه‌ای که به شدت حساس و استراتژیک است.

حمید رسایی، دیگر چهره شاخص نزدیک به جبهه پایداری نیز به انتصاب لاریجانی واکنش نشان داد و با کنایه نوشت: آقای لاریجانی که امروز دبیر شورای عالی امنیت ملی شدند، چند ماه قبل درباره عملکرد دولت پزشکیان و وفاق گفته بود: با این قیمت دلار و گرانی، «وفاق» بی‌معنی است! امیدوارم در جایگاه دبیری شورای عالی امنیت، احساس تکلیف نکنند که هر طور شده، همه باید با دولت «وفاق» کنند!» این واکنش‌ها یک نقطه اشتراک دارند.

انتصاب لاریجانی برای پایداری‌ها نه‌فقط یک تصمیم مدیریتی بلکه نشانه‌ای از بازگشت گفتمان اعتدال و مذاکره به ساختار قدرت است؛ گفتمانی که در سال‌های اخیر از نهادهای تصمیم‌ساز کنار گذاشته شده بود و حالا با دولت جدید بار دیگر به بازی برگشته است.

همچنین رسانه نزدیک به دولت سیزدهم و پایداری‌ها («رجانیوز») نیز ناخشنودی خود از این انتصاب را پنهان نکرد. این رسانه خبر انتصاب لاریجانی را با عکسی از او و حسن روحانی منتشر کرد؛ عکسی که در فضای سیاسی اصولگرایان نماد نزدیکی و اشتراک گفتمانی محسوب می‌شود. انتخاب چنین تصویری توسط رجانیوز به وضوح حاوی پیام نارضایتی و هشدار به پایگاه اجتماعی دولت و مخالفان لاریجانی است.

نقد تسنیم و کارشناسان به جلیلی

واکنش‌های منفی طیف افراطی و تدریجاً انتقادهایی هم در پی داشت. محمد مهاجری در یکی از توثیت‌های خود نوشت: وقتی می‌گویند فلانی نخودی است یعنی بی‌اهمیت و ول معطل و به‌خصوص سرکار است. به کسانی که این روزها در باره نقش آقای سعیدجلیلی نگرانند عرض می‌کنم او از مدت‌ها پیش یک نخودی تمام عیار است و جز سخنرانی‌های بیهوده و توثیت‌های مضحک، کار دیگری نمی‌کند. در ششام هم تحویلش نمی‌گیرند.»

مهاجری همچنین در توثیت دیگری در باره جبهه پایداری و صادق محمولی، دبیرکل حزب پایداری نوشت: در طول ۲۵۰۰ سال گذشته بی‌خاصیت‌تر از جبهه پایداری، هیچ حزبی وجود نداشته. همچنین در ۲۵۰۰ سال گذشته هیچ دبیرکل حزبی بی‌خاصیت‌تر از صادق محمولی وجود نداشته است.»

محسن برهانی هم نوشت: استفاده واژگانی برادر کوچک‌تر از آغل و برادر بزرگ‌تر از گوساله نشان داد که چه بلای سهمگینی را در انتخابات سال گذشته از سر ایران دفع کردیم.» محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «اگر اعجاز موسایی دارید، عسائیان را بر زمین بزنید و اگر نه، در این شرایط حساس به رفتار هارون تأسی کنید و در میان جامعه اختلاف ایجاد نکنید!» یوسف پزشکیان گفت: تصمیم درباره مذاکره متولی دارد و مسئولان با هدایت رهبری هر تصمیمی بگیرند ما پشت آن می‌ایستیم. اما مقایسه مذاکره با گوساله‌پرستی نابجاست. گوساله‌پرستی منکر مطلق است اما مذاکره حکم کلی ندارد. اصل منافع کشور است.»

نکته جالب اینجاست که حتی خبرگزاری تسنیم هم به تحرکات این طیف، واکنشی صریح نشان داد و چنین نوشت: هرچه درباره توثیت اخیر جلیلی در مورد گوساله‌پرستی تامل می‌کنیم، غلط بودن توثیت او بیشتر آشکار می‌شود. آقای سعید جلیلی در حساب مجازی خود متنی درباره مذاکره نوشته و آن را به گوساله‌پرستی پس از حضور موسی (ع) در کوه طور تشبیه کرده است. جناب جلیلی وقتی چنین تشبیهی را به کار می‌برد قاعدتاً باید توضیح دهد که وجوه این تشبیه کدامند؟ شبیه و مشابه به چیست؟ وجه‌شبه آنها کجاست؟ موسی کیست؟ گوساله‌پرستی دقیقاً اینجا مصداق چیست؟ سامری کدام است؟ چه کسی به کوه طور رفته؟ همه اینها نکات مهمی است و هرچه در آن تامل می‌کنیم، غلط بودن توثیت جناب جلیلی بیشتر آشکار می‌شود!» به هر سو در این میان، کنش تند و سریع جبهه پایداری و صدای بلند جلیلی را شاید بتوان تلاشی برای جلوگیری از تثبیت جایگاه جدید لاریجانی تلقی کرد؛ یا به تعبیر دقیق‌تر، تلاشی برای حفظ موقعیت خود در ساختار قدرت، پیش از آنکه خیلی دیر شود.

ماه همان لایحه را مجدداً به مجلس ارائه کند. بخشایش در عین حال تأکید می‌کند که محدودسازی فضای مجازی به بهانه عدم همکاری پلتفرم‌های خارجی نه‌تنها به کاهش کیفیت اینترنت انجامیده بلکه موجب گسترش استفاده از فیلترشکن‌ها شده است. او راهکار جایگزین را در افزایش تحمل نهادها در برابر نقد و مخالفت می‌داند و بر این باور است که تقویت تساهل و شنیدن صدای مخالف، مانع از خودسانسوری و نارضایتی عمومی خواهد شد. این نماینده همچنین معتقد است که حساسیت افکار عمومی درباره فضای مجازی آن‌قدر بالاست که بسیاری از نهادها ترجیح می‌دهند، وارد چنین موضوعاتی نشوند.

محکومیت اشغال

جامعه ملل به طرح اسرائیل برای سیطره کامل بر غزه چه واکنشی نشان داد؟

گروه بین‌الملل: واکنش‌های بین‌المللی به تصمیم کابینه اسرائیل به رهبری بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برای اشغال نوار غزه افزایش یافته است. سازمان ملل متحد خواستار توقف فوری این طرح شد، طرحی که کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، آن را اشتباه توصیف کرد، در حالی که ترکیه تأکید کرد که اعلام کنترل بر غزه، مقدمه‌ای برای آوارگی ساکنان این منطقه است. همچنین رئیس کمیسیون اروپا اعلام کرد که تصمیم دولت اسرائیل برای تمدید عملیات نظامی خود در غزه باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. زندانیان باید آزاد شوند، کمک‌ها باید فوراً به غزه تحویل داده شوند و اکنون آتش‌بس ضروری است. گونو جیاکون، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در نشستی خبری در پاسخ به اینکه چه نظری درباره تصویب طرح اشغال غزه از سوی کابینه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل دارد، گفت: چین به شدت نگران تصمیم اسرائیل است و از آن می‌خواهد فوراً این اقدام را متوقف کند. غزه متعلق به مردم فلسطین و بخشی از قلمرو فلسطینی است. او تأکید کرد که راه درست کاهش رنج انسانی در غزه و آزادی اسرا از غزه «آتش‌بس فوری» است. ماریا مالمر اشتنرگارد، وزیر امور خارجه سوئد نیز امروز هشدار

داد که این طرح اسرائیل جداً نگران‌کننده و ممکن است نقض قوانین بین‌المللی باشد. او با تأکید بر ضرورت آتش‌بس گفت: هرگونه تلاش اسرائیل برای الحاق غزه یا تحت کنترل درآوردن آن نقض قوانین بین‌المللی خواهد بود. افزون بر این، الینا والتون، وزیر امور خارجه فنلاند گفت که دولت این کشور اقدامات اسرائیل در غزه را با «نگرانی زیادی» دنبال می‌کند و «وضعیت غزه باید تغییر کند. او در گفت‌وگویی با خبرگزاری رویترز تأکید کرد که فنلاند قویا با هر تلاشی برای تغییر دادن یا تحت کنترل درآوردن سرزمین‌های اختصاص یافته به فلسطینی‌ها طبق توافق ۱۹۴۷ مخالف است که مشخصاً به غزه و کرانه باختری اشاره دارد.

وزیر امور خارجه هلند نیز گفت، طرح اسرائیل برای تشدید عملیات خود در غزه اشتباه بوده و وضعیت انسانی فاجعه‌بار است و نیاز به بهبود فوری دارد. وی افزود که تصمیم اسرائیل به هیچ‌وجه به بازگشت اسیرا کمکی نخواهد کرد. همچنین وزارت امور خارجه دانمارک تأکید کرد: ما از اسرائیل می‌خواهیم که فوراً تصمیم خود در مورد غزه را لغو کند. در همین حال جان سونیثی، وزیر اول اسکاتلند (جمعه) تصمیم اسرائیل برای اشغال غزه را قویا محکوم کرده و آن

را «کاملاً و مطلقاً» غیر قابل قبول دانست. در واکنش به این اظهارنظر از سوی نخست‌وزیر اسرائیل، فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز گفت: «طرح دولت اسرائیل برای تصرف کامل نظامی نوار غزه اشغالی باید فوراً متوقف شود. این طرح مغایر با حکم دیوان بین‌المللی دادگستری است که اسرائیل باید در اسرع وقت به اشغال خود پایان دهد به راه‌حل توافق شده دو دولتی و حق فلسطینیان برای تعیین سرنوشت خود جامعه عمل پیوشاند».

خوزه مانوئل آلبارز، وزیر امور خارجه اسپانیا نیز امروز در واکنش به تصمیم اسرائیل برای گسترش عملیات نظامی به منظور اشغال غزه گفت: ما قویا تصمیم کابینه اسرائیل برای



گسترش اشغال نظامی غزه را محکوم می‌کنیم که منجر به ویرانی و رنج بیشتر می‌شود.

آلبارز همچنین خواستار «آتش‌بس دائمی، ورود فوری مقادیر کلان کمک‌های انسانی و آزادی اسیرا شد». کاسپر ولدکامپ، وزیر امور خارجه هلند نیز در این باره گفت که طرح نتانیاهو برای تشدید عملیات اسرائیل در غزه اقدامی اشتباه است. ولدکامپ افزود: ما همواره صراحتاً گفته‌ایم که غزه متعلق به فلسطینی‌هاست.

همچنین آنکارا (جمعه) در پی اعلام تصویب طرح اشغال غزه در کابینه امنیتی اسرائیل از جامعه بین‌المللی خواست، مانع «تحت کنترل درآوردن» غزه از سوی اسرائیل شود.

ادامه تیتیریک

اعتراض هواداران حزب‌الله

انحصار سلاح در دست دولت

تا قبل از برگزاری جلسه پنج‌شنبه باز هم بسیاری از تحلیلگران در لبنان و حتی کشورهای منطقه بر این عقیده بودند که دولت لبنان طرح مورد نظر آمریکایی‌ها را تصویب نمی‌کند و به نوعی ریسک این اقدام را به جان نمی‌خرد اما در نهایت پنج‌شنبه شب بول مرقص، وزیر اطلاع‌رسانی دولت لبنان در سخنانی از موافقت دولت این کشور با اهداف سند آمریکایی مبنی بر «پیشبرد یک راه‌حل جامع و پایدار» خبر داد و گفت، وزرای که از جلسه هیات دولت خارج شدند به بیانیه وزارتی که بر انحصار سلاح در دست دولت تأکید دارد، پایبند هستند. او تأکید کرد که هیات دولت لبنان با انحصار سلاح در دست دولت و استقرار ارتش این کشور در جنوب موافقت کرده است. وزیر اطلاع‌رسانی لبنان همچنین تصریح کرد که سعی کردیم برخی از نمایندگان را از ترک جلسه دولت منصرف کنیم اما آنها تصمیم گرفتند این کار را انجام دهند تا تصمیم در حضور آنها گرفته نشود. او اعلام کرد که بحث ما محدود به اهداف سند آمریکایی بود و ما به جدول زمانی نیرداختیم اما تصمیم ما محدود به اهداف بود و ارتباط مستقیمی با سند آمریکایی نداشت. در این خصوص شبکه خبری الجزیره گزارش داد که رئیس‌جمهور لبنان تلاش کرد، وزرای دو جنبش شیعی امل و حزب‌الله را قانع کند که از این جلسه خارج نشوند اما موفق به این کار نشد و در این راستا شبکه‌المنار از خروج چهار وزیر جریان شیعی کابینه از جلسه هیات دولت خبر داد. این در حالی است که محمد حیدر، وزیر کار لبنان هم اعلام کرد که دستور جلسه بررسی اهداف سند تام باراک، نماینده ویژه آمریکا در امور لبنان و سوریه و اتخاذ تصمیم در این باره بود و این منجر به فاصله‌گیری و تصمیم به خروج شد. وزرای امل و حزب‌الله ضمن رد قاطعانه بررسی سند آمریکا به عنوان یک توافق تأکید کردند باید تا زمان خروج نظامیان اسرائیل از خاک لبنان، توقف حملات اسرائیل و آغاز بازسازی، هرگونه اظهارنظر درباره سلاح حزب‌الله به تعویق بیفتد اما در نهایت دولت لبنان انحصار سلاح را به نفع خود تصویب کرد.

جزئیات طرح خلع سلاح حزب‌الله چیست؟

آنچه در این میان باید مورد نظر قرار بگیرد، جزئیات طرح ایالات متحده برای خلع سلاح حزب‌الله لبنان است که رویترز به تفصیل بدان پرداخته است و محورهای آن را منتشر کرد. این خبرگزارش نوشته است که بر اساس نسخه‌ای از دستور کار هیات دولت لبنان که آن را بررسی کرده، ایالات متحده به لبنان پیشنهادی برای خلع سلاح حزب‌الله تا پایان سال ارائه داده است و این طرح همچنین شامل توقف تجاوزهای نظامی اسرائیل در لبنان و خروج نیروهایش از پنج موضع در جنوب لبنان می‌شود. خبرگزاری رویترز در این باره گزارش داد که این طرح توسط تام



باراک، فرستاده ویژه آمریکا برای سوریه ارائه شده که مدتی را نیز به عنوان فرستاده ویژه برای لبنان خدمت کرده است. اهداف پیشنهاد آمریکا شامل حذف تدریجی حضور مسلحانه بازیگران غیردولتی از جمله حزب‌الله، استقرار نیروهای لبنانی در مناطق کلیدی مرزی و داخلی، اطمینان از خروج اسرائیل از پنج نقطه، حل‌وفصل مسائل مربوط به زندانیان از طریق مذاکرات غیرمستقیم و ترسیم دائمی مرزهای لبنان با اسرائیل و سوریه می‌شود.

رویتز همچنین نوشته است که این طرح در ۴ مرحله انجام خواهد شد. مرحله اول این طرح نیازمند صدور حکمی از سوی دولت بیروت در مدت ۱۵ روز است که متعهد به خلع سلاح کامل حزب‌الله تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵ شود. در این مرحله، اسرائیل نیز عملیات نظامی زمینی، هوایی و دریایی را متوقف خواهد کرد. مرحله دوم مستلزم آن است که لبنان در مدت ۶۰ روز با مصوبه دولت برای «طرح استقرار دقیق (ارتش لبنان) برای حمایت از برنامه تحت کنترل دولت درآوردن تمام سلاح‌ها» برنامه خلع سلاح را اجرایی کند و این برنامه اهداف خلع سلاح را مشخص خواهد کرد. در مرحله دوم، اسرائیل شروع به خروج از مواضع خود در جنوب لبنان خواهد کرد و زندانیان لبنانی در اسارت این رژیم بسا هماهنگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آزاد خواهند شد.

در مرحله سوم، اسرائیل در مدت ۹۰ روز از دو مورد آخر از پنج نقطه تحت کنترل خود خارج خواهد شد و بوجه لازم برای آغاز آواربرداری در لبنان و بازسازی زیرساخت‌ها به منظور آماده‌سازی برای بازسازی تأمین خواهد شد. در مرحله چهارم در مدت ۱۲۰ روز، سلاح‌های سنگین باقیمانده حزب‌الله از جمله موشک‌ها و پهپادها باید از بین بروند.

نکته اینجاست که در این مرحله، ایالات متحده، عربستان سعودی، فرانسه، قطر و سایر کشورهای دوست یک کنفرانس اقتصادی برای حمایت از اقتصاد لبنان و بازسازی و آنچه تحقق دیدگاه رئیس‌جمهور ترامپ برای بازگشت لبنان به عنوان کشوری مرفه و قابل دوام عنوان شده، برگزار خواهند کرد که نشان می‌دهد این کشورها و برخی دیگر از دولت‌ها از پرونده خلع سلاح حزب‌الله کاملاً آگاه بودند.

اعتراض مردمی به خلع سلاح حزب‌الله

واکنش‌ها به تصویب این طرح از سوی کابینه لبنان ساعاتی پس از اعلام آن به سرعت به تیتیریک اخبار تبدیل شد؛ به گونه‌ای که بامداد جمعه و پس از تصویب طرح خلع سلاح حزب‌الله، مردم بیروت در خیابان‌های بعلبک و صور تظاهرات کردند. بر اساس برخی از گزارش‌ها، مردم در استان نبطیه در بخش‌های میانی و جنوبی لبنان در حمایت از حزب‌الله لبنان، کاروان‌های اعتراضی تشکیل داده و به خیابان‌ها آمدند. همچنین مردم معترض لبنان با آتش زدن لاستیک، خیابان‌های بیروت را به نشانه اعتراض به تصمیم دولت مسدود و در مقابل کلیسای سنت مایکل در ریاق و علی‌التهری تجمع کردند.

حزب‌الله لبنان هم در بیانیه‌ای و در واکنش به این اقدام دولت لبنان اعلام کرد که دولت نواف سلام، نخست‌وزیر لبنان در اتخاذ تصمیمی برای خلع لبنان از سلاح مقاومت در برابر دشمن اسرائیلی مرتکب اشتباه بزرگی شد؛ چراکه این مسأله منجر به تضعیف قدرت لبنان و موضع آن در برابر ادامه تجاوز اسرائیل و آمریکا می‌شود و آنچه که اسرائیل توانست در تجاوز خود علیه لبنان به دست آورد را برای آن محقق می‌کند.

اروپا

دیدار پوتین و ترامپ

روسای جمهوری روسیه و آمریکا بر سر میز

بر اساس اعلام برخی منابع، دیدار «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا و «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه ممکن است این هفته برگزار شود و مقامات در حال بررسی اولیه برای برگزاری این اجلاس در پایان هفته آینده هستند. محل برگزاری هنوز قطعی نشده است اما مجارستان، سوئیس، رم و امارات متحده عربی در میان گزینه‌های احتمالی قرار دارند. با این حال این نشست ممکن است در نهایت لغو شود چراکه «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین، مقامات را در جریان مفاد قانون اساسی اوکراین قرار داده که هرگونه امتیاز سرزمینی نیازمند برگزاری یک همه‌پرسی ملی است.

اگر این دیدار برگزار شود، اولین ملاقات پوتین و ترامپ پس از بازگشت ترامپ به کاخ سفید در سال جاری خواهد بود. این نشست می‌تواند، نقطه عطف مهمی در جنگ ۳ ساله اوکراین باشد، اگرچه هیچ تضمینی وجود ندارد که چنین دیداری به پایان درگیری‌ها منجر شود چراکه مواضع روسیه و اوکراین همچنان هنوز فاصله زیادی دارد. ترامپ که بعداً در کاخ سفید در برابر خبرنگاران حاضر شد، به سوالات درباره مکان احتمالی این نشست پاسخ نداد اما در پاسخ به پرسشی درباره دیدار پوتین و زلنسکی گفت: احتمال بسیار خوبی وجود دارد که آنها دیدار کنند.

رئیس‌جمهور آمریکا از پیش‌بینی درباره نزدیکی به توافق برای پایان جنگ خودداری کرد و افزود: قبلاً از این مورد تأملید شده‌ام. خبرگزاری ریانووستی در پی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای پیرامون محل برگزاری دیدار احتمالی پوتین و ترامپ در هفته آتی گزارش داد که منابع مطلع در وزارت امور خارجه ایتالیا گفتند: رم نقشی در این موضوع ندارد و فکر نمی‌کنند، رم میزبان این دیدار باشد.

فاکس نیوز



در امتداد آگاتا کریستی

روایت **لوسی فولی** از سیر خلق آثارش



در دنیای ادبیات جنایی، کمتر نویسنده‌ای را می‌توان یافت که صادقانه دربارهٔ تأثیرپذیری خود از بزرگان این ژانر سخن بگوید. لوسی فولی، نویسندهٔ معاصر رمان‌های جنایی اما در گفت‌وگو با «گاردین» با صراحت و شفافیت، از مسیری می‌گوید که مطالعه و بازخوانی چه آثاری برای او هم الهامبخش و هم آموزنده بوده و تأکیدی می‌کند که بازخوانی آثار آگاتا کریستی، الهامبخش بازنویسی و پرداخت مجدد داستان‌هایش بوده است. او معتقد است، رمز و رازهای پیچیده و فضاسازی‌های منحصر به فرد کریستی نقش بسزایی در شکل‌گیری نگاه نویسنده‌اش داشته‌اند.

کشف جادوی کلمات

لوسی فولی دربارهٔ نخستین خاطره‌اش از مطالعه می‌گوید: «خاطره‌ای واضح از نشستن کنار قفسه‌های کتاب در خانهٔ نخست‌مان دارم؛ زمانی که ناگهان متوجه شدم، می‌توانم معنای

کلمات بسیاری از کتاب‌ها را درایم. این تجربه برایم مانند کشف یک جادوی واقعی بود؛ کتاب‌ها را یکی پس از دیگری برمی‌داشتم و در دنیایی دیگر غرق می‌شدم. اخیراً یکی از دوستان کودک‌ام یادآوری کرد، زمانی که برای بازی به خانه‌شان می‌رفتم، اولین کاری که انجام می‌دادم، جست‌وجو در قفسهٔ کتاب‌های‌شان بود تا ببینم، کتابی دارند که هنوز آن را نخوانده باشم.» او دربارهٔ کتاب‌های محبوب دوران کودکی و نوجوانی‌اش گفته: «در کودکی شیفیت مجموعه «بر یامبلی هیچ» (Brambly Hedge) نوشتهٔ جیل بارکلم بودم. ظرافت کم‌نظیر تصویرسازی‌ها و خلق جهانی پنهان در این آثار، برایم بسیار لذت‌بخش بود. اکنون از اینکه این مجموعه را با دختر چهار ساله‌ام بازخوانی می‌کنم، لذت می‌برم. جلد «تپه‌های بلند» (The High Hills) یا درون‌مایه‌ای ششپه آش‌تالکین، بار ماجراجویی و جست‌وجویی جذابی دارد. کتاب Angus, Thongs and Full-Frontal Snogging اثر لویز رنسون و

دیگر جلد‌های مجموعه «اعترافات جورجیا نیکلسون» (the rest of the Confessions) برایم به شدت جذاب و پرکشش بود. این آثار با طنز و دقت، دنیای دختران نوجوان، روابط دوستی و شوخ‌طبعی‌شان را به تصویر کشیده‌اند و بدون کوچک‌ترین نگاه تحقیرآمیز یا بالادست با مهربانی و همدلی، مسائل ما را بازتاب داده‌اند. خواندن این مجموعه برای من تجربه‌ای بود که احساس می‌کردم کاملاً «دیده» شده‌ام.» فولی در ادامه دربارهٔ نویسنده‌ای که دیدگاهش را تغییر داده، می‌گوید: «پاتریشیا های‌اسمیت نویسنده‌ای است که پیش از خواندن آثارش به‌ویژه رمان‌های «آقای رپلی با استعداد» (The Talented Mr Ripley) و «دو چهره ژانویه» (The Two Faces of January) تصور می‌کردم لازم است، شخصیت داستان را دوست داشته باشم تا کامیابی‌اش برایم مهم باشد. اما های‌اسمیت با مهارت بی‌نظیرش خواننده را وارد ذهن یک ضداجتماعی (در شخصیت رپلی) می‌کند و ما را در جایگاهی ناخوشایند قرار می‌دهد که با وجود آگاهی از نادرستی کارهای شخصیت، بی‌اختیار، خواستار موفقیت او می‌شویم. شاید این فقط برای من این‌گونه است.» رمان «قصر را تصرف می‌کنم» (I Capture the Castle) نوشتهٔ دودی اسمیت تا حد زیادی درباره نوشتن است؛ پدر شخصیت اصلی،

نویسنده‌ای شکست‌خورده است و راوی به‌طور مکرر یادآوری می‌کند که داستانی را روایت می‌کند. او می‌گوید: «صمیمیت این کتاب و توصیف غنی از یک خانواده و دوران بلوغ شخصیت اصلی برایم بسیار دلنشین بود.» لوسی فولی دربارهٔ آثار آگاتا کریستی و تأثیری که از آنها گرفته می‌گوید: «تزدیکاً تمام آثار آگاتا کریستی را می‌توانم، نام ببرم. نخستین بار که آنها را خواندم (در سنی بسیار پایین‌تر از سن توصیه‌شده!) به جنبهٔ معمایی‌شان جذب شدم. اکنون که دوباره به سراغ‌شان می‌روم، متوجه می‌شوم برخی آثارش تا چه اندازه تیره و پیچیده هستند: «شب بی‌پایان»، «و آنگاه هیچ‌کس نبود»، «خانه کج» و «اسب رنگ‌بریده» نمونه‌هایی چشمگیرند. اکنون، از منظر نویسنده‌گی، به آنها بازمی‌گردم تا رمز موفقیت کریستی را کشف کنم. کتاب «نگاهی به ماه» (Glimpses of the Moon) نوشته ایدیت وارتن را دیرتر شناختم. سال‌ها پیش «خانه شادی» و «عصر معصومیت» او را خوانده بودم اما این کتاب را نه. بازخوانی آثار وارتن به من یادآوری کرد که تا چه اندازه شیفتهٔ سبک نگارش او هستم.»

محبوبیت جهانی فولی

لوسی فولی سال ۱۹۸۶ در انگلستان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات اولیه برای تحصیل در رشتهٔ ادبیات انگلیسی به کالج لندن سپس دانشگاه دورهام رفت. لوسی فولی پیش از آن‌که نویسنده تمام‌وقت شود به‌عنوان ویراستار با انتشارات برجسته‌ای در انگلستان همکاری داشت. نخستین کتاب رسمی‌اش در سال ۲۰۱۵ راهی بازار شد. این کتاب «کتاب گم شدن و پیدا شدن» (The Book of Lost and Found) نام داشت و توانست از محبوبیت بالایی در میان مخاطبان برخوردار شود. با انتشار این کتاب فولی فعالیت خود را به‌طور حرفه‌ای به‌عنوان یک نویسنده آغاز کرد. در کارنامهٔ آثار این نویسنده تاکنون چندین رمان برجسته دیده می‌شود که هر یک از آنها به موفقیت‌هایی رسیده‌اند و جوایز معتبری را از آن خود کرده‌اند. اغلب کتاب‌های لوسی فولی در ژانر تاریخی و معمایی نوشته شده‌اند. قلم‌گیرای لوسی فولی باعث شده تا آثار او از محبوبیت بالایی در سرتاسر جهان برخوردار باشند. تعدادی از کتاب‌های او به فارسی ترجمه شده‌اند و جایگاه خود را در میان مخاطبان پیدا کرده‌اند که «آپارتمان پاریس»، «فهرست مهمانان» و «مهمانی شکار» ازجمله آنها هستند. «آپارتمان پاریس» بسا روایتی جذاب و گیرایی از محبوب‌ترین کتاب‌های لوسی فولی است. این کتاب داستان فردی به نام جس هدلی را روایت می‌کند که به آپارتمان مجلل برادرش در پاریس نقل مکان می‌کند. او پس از این جابه‌جایی درمی‌یابد، برادرش مفقود شده و خود را مقابل معمایی می‌بیند که باید آن را حل کند. «فهرست مهمانان» اثر شناخته‌شده دیگری از اوست. این رمان معمایی، افتخارات زیادی را کسب کرده و توانسته جایزهٔ بهترین کتاب گودریدز را از آن خود کند. هم‌چنین از پرفروش‌ترین آثار نیویورک تایمز و آمازون و از بهترین تریلرهای هیجان‌انگیز سال ۲۰۲۰ به‌شمار می‌رود. «فهرست مهمانان» روایت‌گر یک مراسم عروسی است که ابتدا بسیاری عادی آغاز می‌شود اما با گذشت زمان به صحنه‌ای برای جنایت‌های هولناک و تسویه‌حساب‌های شخصی بین مهمانان بدل خواهد شد.

خدایگان موسیقی

یادی از **جواد معروفی** در صدوسیزدهمین زادوروش

کسی برمی‌آید که تصویر را پیش از صدا می‌بیند. از همین رو شنیدن موسیقی او، بیشتر از آن‌که تجربه‌ای صرفاً شنیداری باشد، تجربه‌ای تصویری و حسی است. این ویژگی، موسیقی معروفی را از بسیاری از آهنگسازان هم‌دوره‌اش متمایز می‌کند. او برخلاف برخی دیگر که تنها در چارچوب ردیف یا فرم کلاسیک غربی می‌ساختند به میانجی هنرهای دیگر، پل‌هایی ذهنی می‌ساخت میان شنونده و قطعه. شاید به همین دلیل باشد که آثار او همچنان شنیده می‌شوند؛ چون نه فقط شنیدنی که دیدنی و خواندنی‌اند.

در مکتب وزیری

جواد معروفی ۱۵ مرداد ۱۲۹۱ چشم به جهان گشود. او مبانی ابتدایی موسیقی را زیر نظر پدرش که از شاگردان مکتب درویش‌خان، آهنگ‌ساز و نوازنده تار بود، آموخت و به این ترتیب با نوازندگی تار آشنا شد و پس از چند سال بنا بر توصیهٔ پدر در ۱۳۰۵ برای فراگیری موسیقی ایرانی به سبک عملی در مدرسهٔ موسیقی علی‌نقی خان وزیری مشغول تحصیل شد. از همان تاریخ، نوازندگی تار را رها کرد و زیر نظر وزیری که تا حدی با نوازندگی پیانو آشنایی داشت به نوازندگی پیانو پرداخت و پس از مدتی بنا به توصیهٔ استاد وزیری برای تکمیل فن نوازندگی پیانو به سبک غربی نزد تاتیانا خاراطیان که در آن زمان پیانیست تحصیل کرده و چیره‌دستی بود، مشغول تحصیل شد. در ۱۳۱۱ موفق به اخذ دیپلم از مدرسهٔ موسیقی وزیری شد و از ۱۳۱۹ یعنی سالی که فرستنده رادیو در تهران گشایش یافت با این سازمان همکاری هنری خود را آغاز کرد. نخستین قطعه‌ای که معروفی ساخت «ترانه‌های خیام» براساس رباعیات خیام بود که در ۱۳۱۵ خورشیدی اجرا شد.

سبک نوازندگی معروفی بیشتر تحت‌تأثیر تکنیک مشیر همایون شهردار قرار داشت. او هم مانند میرزاصادق خان و شاکردش مشیر همایون برای اجرای دستگاه‌ها و قطعات موسیقی ایرانی کوک غربی پیانو را تبدیل به کوک ایرانی کرد. در نوازندگی پیانو این سه هنرمند هر یک صاحب سبکی خاص بودند. معروفی خود دربارهٔ سبک نوازندگی‌اش گفته: «به جرأت می‌توانم، بگویم سبک نواختن

۱۵ مرداد، صدوسیزدهمین زادروز جواد معروفی، خالق «خواب‌های طلایی» بود؛ هنرمندی که موسیقی را با لمس کلیدهای سفید پیانو توسط سرانگشتانش به زیباترین شکل ممکن معنا کرد. او بی‌شک پایه‌گذار سبکی از موسیقی محسوب می‌شود که نشان داد بدون تغییر هویت یک ساز، می‌توان آن را با زبان جدیدی معرفی و مردمی را شیفته آن کرد. جواد معروفی از نخستین چهره‌هایی بود که پیانو را نه فقط به‌عنوان یک ساز غربی بلکه چنان‌که سازی ایرانی باشد، در فرهنگ موسیقایی ایران تثبیت کرد. اما رمز موفقیت او نهفته بود در تأثیر پررنگ نقاشی و ادبیات بر نگاه او به موسیقی. روایت‌های موسیقایی جواد معروفی، گویی از دل داستان و نقاشی برخاسته بودند؛ چراکه زیستش با ادبیات بود و در حقیقت تصاویر ذهنی‌اش را به صدا درمی‌آورد.

خلوت با تصاویر و کلمات

معروفی اهل خلوت بود. حتی در پریهاوترین سال‌های فعالیتش در رادیو کمتر در جمع‌های هنری حاضر می‌شد. دوستانش روایت کرده‌اند که ساعات زیادی از روز را صرف مطالعه می‌کرد؛ از حافظ و سعدی تا داستایوفسکی و ویکتور هوگو. برای او، ادبیات فقط یک سرگرمی نبود بلکه نقش‌دهندهٔ هنرش بود. او در خاطراتی پراکنده گفته بود که پیش از نواختن، ابتدا یک روایت در ذهنش شکل می‌گیرد، یک صحنه، یک احساس ملموس سپس آن تصویر ذهنی در قالب نت‌ها تجسم می‌یابد. در قطعاتی چون «غم‌انگیز»، «اشک مادر»، «خزان عشق»، «با امید زندگی» می‌توان این نگاه روایی را به‌وضوح دید. موسیقی معروفی بافت ساد‌های ندارد؛ بیشتر شبیه یک داستان چندلایه است. بالا رفتن و فرود آمدن‌های ملودی‌ها، تغییرات لطیف در تمپو و استفاده از سکوت‌های معنادار همگی چنان هستند که گویی با یک راوی مواجهیم که می‌داند چه زمانی بایستد، مکث کند و دوباره روایت کند. اما شاید مهم‌تر از ادبیات، نگاه نقاشانه معروفی به موسیقی باشد. او با رنگ‌ها فکر می‌کرد. در توصیف برخی آثارش گفته بود: «اینجا باید آبی باشد اما نه آبی آسمان؛ آبی آسمان بعد از باران.» چنین جملاتی فقط از ذهن

شبکه‌خانگی

حاشیه‌سازی ساترا

کارناوال پخش نشد، سووشون با تأخیر روی **پلتفرم** قرار گرفت

همین دلیل مجوز پخش این قسمت را صادر نکرده است.

بعید است ایرادهای ساترا به توقیف این برنامه بینجامد اما عدم پخش این قسمت، مؤید این است که ممیزی و اصلاحات آنقدر بوده که امکان اجرای آنها بدون حضور جوان ممکن نبوده و باید برای اعمال این اصلاحات، رایزنی‌های بیشتری صورت گیرد تا شاید

حاشیه‌های ساترا تمامی ندارد و این روزها «کارناوال» رامبد جوان را هم دچار خود کرده است. با اینکه «سووشون» به هر حال توانست از توقیف خلاص شود و انتشار پیدا کند اما همچنان از سانسورهای ساترا در امان نیست و هر قسمت از این سریال دچار چالش تازه‌ای با این نهاد می‌شود.

توقف کارناوال

قسمت تازه «کارناوال» که قرار بود روزهای پایانی این هفته منتشر شود به دلیل عدم دریافت مجوز از ساترا پخش نشد. مصادف شدن عدم انتشار قسمت جدید رئالیتی‌شو «کارناوال» با درگذشت پدر رامبد جوان موجب شد تا برخی مخاطبان گمان کنند به این دلیل قسمت پنجم عرضه نشده اما دلیل اصلی توقیف شدن این قسمت «ساترا» است. قسمت پنجم از رقابت رئالیتی‌شو «کارناوال» به دلیل مخالفت ساترا و عدم صدور مجوز از سوی این سازمان منتشر نشد بر همین اساس فیلمنت با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد به دلیل پاره‌ای مسائل قسمت جدید رئالیتی‌شو رامبد جوان در هفته جاری عرضه نخواهد شد. تاکنون چهار قسمت از رئالیتی‌شو «کارناوال» با اجرا و کارگردانی رامبد جوان منتشر شده، قسمت دوم این رئالیتی‌شو که اختصاص به رقابت امیرحسین رستمی و روزبه حصاری داشت به دلیل حضور عروسک‌های خواننده‌های لس‌آنجلسی با مشکل ممیزی مواجه شد به نحوی که آیتم نمایشی امیرحسین رستمی با حضور آن عروسک‌ها که در مدت زمان ۶ دقیقه آماده شده بود در مدت زمان سه دقیقه منتشر شد.

حالا و بعد از گذشت دو هفته از آن ماجرا قسمت جدید رئالیتی‌شو «کارناوال» با مشکل مواجه شده. گفته می‌شود که این قسمت اختصاص به رقابت رویا میرعلمی و امیرمهدی ژوله داشت که ساترا به آیتم نمایشی میرعلمی، ایرادات بسیاری وارد کرده و به



دیدگاه: یادداشت سینمایی

فراتر از ژانر

ارزش یک فیلم در ساختارش نهفته، نه در برچسب ژانری



مهرداد دانش

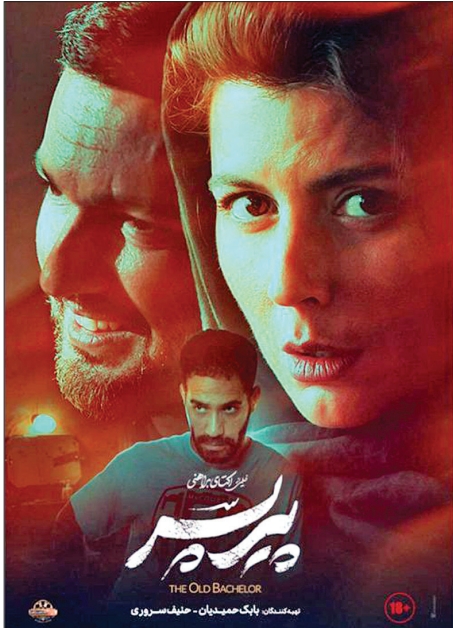
منتقد

یکی از بحث‌های جدی امروز سینمای ایران، سینمای اجتماعی است. استقبال نسبی مخاطبان از دو فیلم پیر پسر و زن و بچه، باعث شده است درباره این ایده که مردم ایران از این نوع سینما استقبال زیادی می‌کنند و لازم است سیاست‌های سینمایی به سمت تولید و اکران این دست از فیلم‌ها تغییر جهت دهد، گفت‌وگوهای فراوانی شکل گیرد.

قبل از هر نکته، لازم است اشاره شود چیزی به نام «ژانر اجتماعی» (که این روزها به طور فراوان در ادبیات سینمایی به کار می‌رود) در طبقه‌بندی‌های استاندارد ژانرهای سینمایی مانند درام، کمدی، ترسناک و اکشن وجود ندارد. این طبقه‌بندی‌ها معمولاً بر اساس فرم، ساختار روایی یا حال‌وهوای فیلم (مانند وسترن، علمی‌تخیلی، عاشقانه) تثبیت شده‌اند. با این حال در برخی کشورها به‌ویژه در سینمای ما یا سینمای برخی کشورهای دیگر مثل سینمای اروپای شرقی یا آمریکای لاتین، اصطلاح «فیلم اجتماعی» به‌صورت غیررسمی در ادبیات سینمایی رایج است. این اصطلاح عمدتاً برای فیلم‌هایی به کار می‌رود که به مسائل اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی می‌پردازند و اغلب درون ژانر درام قرار می‌گیرند. در واقع، «اجتماعی» در این حالت بیشتر یک توصیف مضمونی است تا یک ژانر رسمی. مثلاً فیلم‌هایی که به موضوعاتی مثل فقر، بی‌عدالتی یا مشکلات خانوادگی می‌پردازند، در ایران اغلب «فیلم اجتماعی» نامیده می‌شوند اما در طبقه‌بندی جهانی ممکن است به‌عنوان «درام اجتماعی» (Social Drama) یا نهایتاً «فیلم‌های مسأله‌محور» (Issue Films) شناخته شوند. حال اگر بخواهیم در این یادداشت مسامحتاً از سینمای اجتماعی به عنوان گونه‌ای رایج یاد کنیم، آیا این انگاره که سینمای اجتماعی بر سایر ژانرها و لحن‌ها ارجحیت و ارزش دارند و مردم بیشتر به این نوع سینما گرایش دارند، درست است؟ به نظر می‌رسد، بحث ترجیح سینمای اجتماعی در ادبیات تحلیلی کنونی سینمای ایران بیشتر به‌عنوان یک واکنش به سیاست‌های سینمایی سالیان گذشته به‌ویژه در دوره‌ای که تولید فیلم‌های کمدی سطحی و لوده به دلایل تجاری یا محدودیت‌های نظارتی تشویق می‌شد، قابل تحلیل است. طی چندین سال قبل، سینمای ایران تحت فشارهای نظارتی و اقتصادی از پرداختن به مسائل حساس اجتماعی مانند فقر، فساد، نابرابری یا مشکلات سیاسی منع یا محدود شده بود. این محدودیت‌ها گاهی منجر به تولید فیلم‌هایی می‌شد که از نظر محتوایی سبک‌تر بودند و به مسائل عمیق اجتماعی نمی‌پرداختند. فیلم‌های کمدی تجاری نازل یا به اصطلاح «فیلم‌فarsi»‌های مدرن در این دوره به دلیل فروش بالا و ریسک کمتر با استقبال تهیه‌کنندگان و سیاست‌گذاران مواجه شدند. این روند باعث شد که بخشی از مخاطبان و منتقدان احساس کنند، سینمای ایران از رسالت خود برای بازتاب واقعیت‌های اجتماعی فاصله گرفته است. در چنین وضعیتی، ایده ترجیح سینمای اجتماعی، واکنشی طبیعی به این محدودیت‌هاست. در سینمای اجتماعی که معمولاً در قالب درام‌های واقع‌گرا یا حتی فیلم‌های انتقادی ظاهر

می‌شود، تلاش می‌شود صدای جامعه منعکس شود و مسائلی که در دوره‌های قبلی نادیده گرفته شده بودند، برجسته شود؛ چه آنکه در این رویکرد به موضوعاتی مثل شکاف طبقاتی، بی‌عدالتی، مشکلات زنان یا حتی نقد ساختارهای قدرت نگرینسته می‌شود. با توجه به اینکه جامعه ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی متعددی مواجه بوده، سینمای اجتماعی چه بسا به‌عنوان آینه‌ای برای انعکاس این دردها و ایجاد گفت‌وگو عمل کند. در عین حال این انگاره نوعی واکنش به سیطره فیلم‌های کمدی نازل نیز هست که باعث شده، سینمای اجتماعی به‌عنوان یک آلترناتیو «جدی» و «هنری» در مقابل این جریان دیده می‌شود. اما با همه اینها به نظر می‌رسد، نوعی یک سونگري در این تحلیل‌ها وجود دارد. تمرکز بیش از حد بر سینمای اجتماعی از یک جهت خواناخواه باعث کم‌توجهی به سایر ژانرها می‌شود و از جهت دیگر اگر سینمای اجتماعی بیش از حد به سمت نقد مستقیم یا نمایش اغراق‌آمیز مشکلات برود، ممکن است به جای تأثیرگذاری به شعارزدگی منجر شود. گرایش به سینمای اجتماعی یک پاسخ طبیعی و حتی ضروری به شرایط اجتماعی و تاریخی ایران است و نقش مهمی در آگاهی‌بخشی و ایجاد گفت‌وگو انتقادی ایفا می‌کند اما برای پایداری نهایی سینمای ایران باید تعادلی بین این ژانر و سایر ژانرها ایجاد شود؛ کما اینکه کمدی‌های هوشمندانه یا فیلم‌های ژانری دیگر هم می‌توانند، مسائل اجتماعی را به شکلی غیرمستقیم و خلاقانه مطرح کنند بدون اینکه لزوماً به سبک واقع‌گرایانه سینمای اجتماعی محدود شوند.

هیچ ژانر یا لحنی در سینما به‌صورت ذاتی بر دیگری برتری ندارد و این ساختار سینمایی، اجرا و کیفیت هنری یک فیلم است که ارزش آن را تعیین می‌کند. ژانرها قالب‌هایی برای روایت داستان و پرورش درونمایه هستند و آنچه جایگاه ارزشی یک فیلم را متمایز می‌کند، نحوه استفاده از قراردادهای این قالب‌ها در راستای خلق تجربه‌ای معنادار، منسجم و تأثیرگذار است. گرایش کنونی به سینمای اجتماعی در ایران اگرچه واکنشی به سیاست‌های گذشته یا نیازهای اجتماعی است اما باید توجه جدی داشت این ترجیح گاهی باعث می‌شود که ارزش یک فیلم صرفاً به دلیل موضوع «جدی» یا «اجتماعی» بودنش بالا برده شود و کیفیت ساختار سینمایی (مثل روایت، شخصیت‌پردازی یا نوآوری بصری) نادیده انگاشته شود و حتی به نوعی پیش‌داوری ژانری بینجامد که ارزش سایر ژانرها مثل کمدی، اکشن یا حتی فیلم‌های تجربی را کم‌رنگ کند. کمدی خوب (اجاره‌نشین‌ها)، جنگی خوب (موقعیت مهدی)، ملودرام خوب (لیلا)، تاریخی خوب (مرگ یزدگرد)، وحشت خوب (طلمس)، سیاسی خوب (بازمانده)، ترکیبی خوب (ماهی و گربه که ترکیبی معمای /تجربی/ وحشت داشت) و نمونه‌های دیگر از ژانرهای دیگر، نشان می‌دهد در سینما و از جمله در سینمای ایران، آنچه فیلم‌ها را ماندگار و ارزش‌شان را تثبیت می‌کند بیش از آنکه به گونه و لحن‌شان مربوط باشد به کیفیت ساخت‌شان معطوف است. در تمجید از سینمای اجتماعی، کیفیت را قربانی نکنیم. سینمای ایران پر است از فیلم‌هایی با برچسب «اجتماعی» که در بنجل بودن، دست‌کمی از فیلم‌های لوده ندارند.



یوهان سباستیان باخ، ولفگانگ آمادئوس موتسارت، لودویگ فان بتهوون و... بی‌درنگ برای او فرصتی کم‌نظیر در بیان اتفاقی نو در موسیقی ایرانی به وجود آورد که در پیوند هنر شرق و غرب، گامی تأثیرگذار بود. او را می‌توان کارگردانی صاحب ایده و سبک دانست که برای خلق تصاویر خاص از میزانشن‌هایی (صحنه‌آرایی) بدیع برای نت‌ها استفاده می‌کند. از آن‌جا که یکی از ویژگی‌های موسیقی ایرانی همراهی آواز با موسیقی است بنابراین حذف کلام، بخشی از جاذبه این موسیقی را کم می‌کند اما با تحلیل آثار ساخته شده توسط جواد معروفی به هوشمندی او در بسط و گسترش ملودی می‌توان پی برد. شاید معروفی را بتوان بازمانده آخرین نسلی دانست که توانست آثاری بر جای بگذارد که ماندگار شوند، مسیری که هر هنرمندی سعی دارد، مسافتی حتی کوتاه را در آن طی کند اما مانایی حتماً ابعاد دیگری غیر از موسیقی می‌خواهد مانند شناخت جامعه، اندیشمندی، استعداد ذاتی و حضور در ابعاد پنهان آدم‌ها که سعی می‌کند به رؤیای خویش رنگ واقعیت بزند. پایه و اساس کار او موسیقی ایرانی بود اما از موسیقی علمی هم غافل نبود. بنابراین بیشتر آثاری که از او به جای مانده، آمیزه‌ای از موسیقی ایرانی و علمی است. جواد معروفی ازجمله اندک استادان موسیقی بود که پس از فارغ شدن از تحصیل و فراگیری به تعلیم شاگردان پرداخت و می‌توان گفت بیشتر نوازندگان این دست موسیقی در سال‌های اخیر پرورش یافتگان کلاس او هستند. معروفی تا روزی که دست‌هایش قدرت نزدیک شدن به پدال‌های پیانو را داشت، عاشقانه و عالمانه دست از کار نکشید و به تعلیم و تربیت دلباختگان موسیقی پرداخت و سرانجام در ۱۶ آذر ۱۳۷۲ چشم از جهان فرو بست.

شود اما خبری از انتشار آن نشد تا اینکه محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده این سریال ناچار شد، بیانه‌ای در این باره صادر کرده و از بابت تأخیر در پخش عذرخواهی کند. قاسمی در این پیام نوشت:

«با احترام به مخاطبین گرامی سریال سوشون، بدین‌وسيله ضمن پوزش بابت تاخير پيش آمده در روند پخش اين مجموعه به اطلاع می‌سانم که در روزهای آتی جزئیات مربوط به این موضوع را با شما عزیزان در میان خواهم گذاشت. حفظ حقوق مخاطبین و هنرمندانی که با تمام توان در تولید این اثر مشارکت داشته‌اند، وظیفه اصلی و اخلاقی من به عنوان تهیه‌کننده این مجموعه است.»

به او اعلام شده بود که قسمت چهارم باید ممیزی و اصلاح شود و قاسمی می‌دانست با این ممیزی‌های سریال سر موعد منتشر نخواهد شد بنابراین، این پیام را صادر کرد تا علاقمندان در جریان باشند که سریال با تأخیر منتشر خواهد شد اما ساترا و پلتفرم، بدون درنظر گرفتن، نظرات کارگردان و تهیه‌کننده، خود اقدام به ممیزی سریال کردند و بعداًزظهر جمعه قسمت چهارم با سانسور ساترا روی پلتفرم نماوا قرار گرفت. ساترا درباره این سریال فشار مضاعفی وارد می‌کند. در واقع تا به امروز تمامی قسمت‌ها به این صورت مورد سانسور قرار گرفتند و دیگر ترگس آیار به‌عنوان کارگردان و محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده نقشی در این باره ندارند.

جالب اینجاست که حتی ممیزی «سووشون» تحت نظر این دو هم صورت نمی‌گیرد و مدیران ساترا آن طور که خود می‌خواهند هر صحنه‌ای را تغییر می‌دهند و دیالوگ‌ها را حذف و اصلاح می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که پخش و زمان انتشار این مجموعه هم در اختیار سازندگان آن قرار ندارد و هر قسمت زمانی که از نظر مدیران ساترا بدون مشکل باشد، روی پلتفرم قرار می‌گیرد. این شکلی تازه از سانسور و ممیزی است که به نظر می‌رسد در شبکه خانگی سابقه ندارد. از زمان آمدن جواد رمضان‌نژاد به عنوان رئیس ساترا این شکل ممیزی در حال اجراست که درباره «سووشون» اعمال می‌شود و بعید نیست، دامنه آن به همین زودی‌ها گریبانگیر دیگر محصولات شبکه نمایش خانگی هم شود.

معلوم نیست سازندگان دیگر برنامه‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی هم با این نوع ممیزی کنار بیایند.

این ساز به طریق علمی به وسیله من پایه‌گذاری شده است. سابق بر این پیانو را در موسیقی ایرانی دو دستی و یک‌صدا می‌نواختند و من به خاطر آشنایی با موسیقی اروپایی برای دست چپ پیانو، نت‌هایی نوشتم و قطعاتی تهیه کردم که سبک نوازندگی پیانو را تغییر داد.» معروفی در اجرای برخی قطعات به دلایلی از ربع برده‌های فرضی موسیقی ایرانی استفاده نکرد اما هنگام نواختن پیانو با خوانندگانی چون استاد بنان کوک پیانو را متناسب مقام‌ها و فواصل خاص آنها تغییر می‌داد. پس از تشکیل برنامه «گل‌ها»، معروفی بعضی از ترانه‌های اصیل و حتی آثاری از استاد ابوالحسن صبا ازجمله «دیلمسان» را با رعایت کامل فواصل موسیقی ایرانی برای اجرا با ارکستر بزرگ گل‌ها تنظیم و رهبری کرد. معروفی قطعات بسیاری برای اجرای با پیانو ساخت که در عین کمال سادگی و روانی از ملودی بسیار زیبایی برخوردار است.

تأثیرگذاری بر موسیقی

سامان‌دهی موسیقی ایرانی و اجرا روی پیانو از نکات مهمی است که معروفی با ظرافت و هوشمندی و به دور از حاشیه و ایجاد حساسیت آن را بر بستر موسیقی اجرا کرد و از حاصل زحمات و جسارت‌های او، بیشتر افرادی که بعدتر موسیقی ایرانی را با پیانو نواختند، بهره بردند. او تکنیک را فدای ساختار اجرایی نکرد بلکه آن را در راستای موسیقی خاطره‌انگیز به خدمت گرفت و شاید استثنایی در فرضیه «دو خط موازی به هم نمی‌رسند» به وجود آورد. تجربه همکاری با بزرگانی چون ابوالحسن صبا، مرتضی نی‌داوود، حسین تهرانی و... توانایی درک و دریافت قطعات بزرگانی چون

ساترا از اجرای تعدادی از آنها کوتاه بیاید وگرنه اگر امکان اجرای آنها وجود داشت هیچ خلی در پخش این برنامه به وجود نمی‌آمد. رامبد جوان که به خاطر ممیزی و البته مسائل دیگر کار در تلویزیون را به لقای آن بخشیده بود و از برنامه پر بیننده خود یعنی «خندوانه» دست کشید حالا با شکل دیگری از ممیزی در شبکه نمایش خانگی روبه‌رو شده که کمتر از آنچه در تلویزیون به او و برنامه‌اش وارد می‌شد، نیست و حالا کارناوالش هم متوقف شده و او باید تلاش کند تا بتواند راه‌حلی برای صدور قسمت‌های جدید این برنامه پیدا کند.

ساترا و اعمال ممیزی

سریال «سووشون» هم که پس از توقیف سه قسمت از آن پخش شده بود، قرار بود جمعه قسمت چهارم آن هم پخش





سال هشتم شماره ۲۰۳۵
شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

خط تولید بحران

چرا دولت‌ها در ایران دائم با بحران دست‌وپنجه نرم می‌کنند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

اگرچه دولت‌ها همیشه تلاش کرده‌اند تا تصویری بزرگ کرده‌از واقعیت‌های جاری کشور را نشان دهند و اظهارنظرهای عمومی مشکلات را کتمان کنند با این حال بسیار پیش آمده است که دولتمردان طاقشان طاق شده و از تعدد بحران‌ها گلابه کرده‌اند، مگر آنها که خودشان بحران‌ساز بوده‌اند. رئیس دولت اصلاحات زمانی از درگیری دولتش با یک بحران در هر ۹ روز گلابه داشت و امروز رئیس‌جمهور که الحق بخت هم روی خوش به او نشان نداده، از گیرکردن در مصیبت‌های مداوم می‌گوید و می‌نالد. کدام دولت‌ها با بحران‌های بیشتری مواجه بودند؟

مسعود پزشکیان گفته: «ما بدجوری گیریم، از روزی که آمدم همش مصیبت می‌یارد و دست‌بردار هم نیست و تا می‌خواهیم به یک ساحل برسیم یکی دیگر می‌آید.» رئیس‌جمهور خواسته با این جمله به مشکلات متعدد و پی‌درپی دولت خود اشاره کند اما همه دولت‌های جمهوری اسلامی به دلایل مختلف از جمله انقلاب، جنگ، تحریم‌ها، بحران‌های اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی با گرفتاری‌های قابل توجهی مواجه بوده‌اند. مقایسه شدت این مشکلات دشوار است زیرا هر دوره شرایط خاص خود را داشته اما برخی از این دولت‌ها بار سنگین‌تری از چالش‌ها را تجربه کرده‌اند. کدام دولت با گرفتاری‌های بیشتری مواجه شده است؟

بررسی تاریخ دولت‌های جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که برخی دولت‌ها به دلیل شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی با چالش‌های بیشتری مواجه بوده‌اند. دولت موقت مهدی بازرگان، یکی از پرچالش‌ترین دولت‌ها بود. این دولت در شرایط پس از انقلاب ۱۳۵۷ تشکیل شد، زمانی که کشور درگیر آشوب‌های داخلی، فروپاشی ساختارهای حکومتی پیشین، و نبود ثبات سیاسی بود. بازرگان با مشکلات عدیده‌ای از جمله اختلافات ایدئولوژیک با شورای انقلاب، ناآرامی‌های قومی در مناطق مرزی و آغاز بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا مواجه شد که نهایتاً به استعفای او منجر شد. دولت‌های دوران دفاع مقدس به‌ویژه دولت‌های محمدعلی رجایی، محمدجواد باهنر و میرحسین موسوی، درگیر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بودند. این دوره با چالش‌های عظیمی مانند تهاجم نظامی، کمبود منابع اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی و بمباران شهرها همراه بود. دولت رجایی و باهنر به دلیل تروهای سازمان منافقین عمر کوتاهی داشتند و دولت موسوی نیز در شرایط جنگی و اقتصاد تحت فشار اداره کشور را بر عهده داشت. دولت‌های محمود احمدی‌نژاد نیز با جامعه را مشکلات قابل توجهی مواجه کردند. دولت نهم و دهم با وجود درآمدهای بی‌سابقه نفتی به دلیل سیاست‌های اقتصادی ناپایدار، افزایش تورم، و تحریم‌های شدید بین‌المللی با بحران‌های اقتصادی مواجه شدند. اعتراض‌های اجتماعی سال ۱۳۸۸ و تش‌های سیاسی داخلی نیز بر مشکلات این دولت افزود.

دولت‌های حسن روحانی نیز با چالش‌های بزرگی مواجه بود. دولت یازدهم با امضای برجام در سال ۱۳۹۴ سعی در کاهش تحریم‌ها داشت اما خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و بازگشت تحریم‌های سنگین، اقتصاد کشور را تحت فشار شدید قرار داد. تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و اعتراضات اجتماعی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ از جمله مشکلات این دوره بودند. همچنین، شیوع ویروس کرونا در سال‌های پایانی دولت دوازدهم، نظام سلامت و اقتصاد کشور را با بحران مواجه کرد. دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی نیز با مشکلات متعددی دست‌وپنجه نرم کرد. این دولت با اقتصاد بحران‌زده، تورم بالا و مذاکرات متوقف‌شده هسته‌ای آغاز به کار کرد. اعتراض‌های سراسری سال ۱۴۰۱، چالش‌های سیاست خارجی و مشکلات معیشتی از جمله گرفتاری‌های این دوره بودند. دولت چهاردهم اکنون با مشکلات متعددی مواجه است. اشاره آقای پزشکیان به «مصیبت‌های پیاپی» نشان‌دهنده چالش‌های پیچیده‌ای مانند بحران‌های اقتصادی، تنش‌های اجتماعی و مسائل سیاست خارجی است که همچنان ادامه دارند. البته که عمده این بحران‌ها خودساخته است و ریشه آن در سیاست‌گذاری‌های جدید و قدیم است. دولت‌ها با در گرداب سیاست‌گذاری‌های غلط خودشان می‌افتند یا بحران‌های گذشته را به ارث می‌برند. از اعتراضات سیاسی و اجتماعی گرفته که نتیجه بی‌توجهی به خواست مردم و تکیه بر سیاست‌های خواست اقلیت قدرتمند است تا شوک‌های اقتصادی که برخاسته از سیاست‌گذاری غلط و رفتن به بیراهه است. از این مساله هم نباید غافل شد که دود تمام این بحران‌ها چه در سیاست خارجی و داخلی، چه در سیاست‌گذاری اقتصادی و چه در بگيروبیندهای اجتماعی به چشم مردم می‌رود و آنها را خسته‌تر از قبل و کم‌اعتمادتر از گذشته می‌کند. دولت‌ها نخست باید بر خود مهار بزنند تا بتوانند حداقل از تولد بحران‌های جدید جلوگیری کنند و بعد فکری به حال بادهای کاشته شده در گذشته کنند که تا توان شدنشان چیزی نمانده است.

رو به افول

قیمت گذاری محصولات لبنی چه نتایجی داشته است؟

میراسلام تیموری

رئیس هیات مدیره انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران



صنعت لبنیات ایران طی چهار دوره تحت تأثیر سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری و سرکوب قیمت‌ها قرار داشته است. این سیاست‌ها با توجیه حمایت از مصرف‌کننده و تأمین امنیت غذایی اعمال شده‌اند اما به دلیل تورم بالا و ضعف اقتصادی، تبعات منفی برای تولیدکنندگان و کاهش سرانه مصرف لبنیات به دنبال داشته‌اند. افزایش ۱۷۷ برابری قیمت شیر خام طی ۲۴ سال از ۸۵۰ به ۱۵۰,۰۰۰ ریال و تأثیر آن بر قیمت تمام‌شده محصولات لبنی همراه با کاهش مصرف، سلامت غذایی جامعه را تهدید کرده است. این گزارش به بررسی این دوره‌ها و اثرات سیاست‌های قیمت‌گذاری می‌پردازد.

توزیع شیر یارانه‌ای

در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ دولت با توزیع شیر یارانه‌ای، بازار محصولات لبنی را تحت کنترل داشت. در این دوره حجم شیر یارانه‌ای از ۳۶۰ هزار تن به ۱۵۶۵ هزار تن (۴/۳ برابر) افزایش یافت و قیمت آن از ۴۰۰ به ۱۹۰۰ ریال (۴/۷۵ برابر) رسید. قیمت شیر خام مصوب از ۸۵۰ به ۲۲۰۰ ریال (۲/۶ برابر) افزایش یافت اما قیمت واقعی بازار به ۲۵۰۰ ریال رسید که نشان‌دهنده شکاف بین قیمت مصوب و بازار بود. محصولات غیر یارانه‌ای، که در گروه سوم کالایی قرار داشتند، افزایش قیمت محدودی- حداکثر ۱۰درصدی- داشتند. برای مثال،

قیمت شیر یک لیتری آزاد از ۱۶۲۰ به ۵۰۰۰ ریال رسید. نرخ تورم متوسط ۱۵/۷درصد و حداقل حقوق از ۲۵۷,۴۶۰ به ۱,۱۴۶,۰۲۰ ریال (۴/۵ برابر) افزایش یافت. پروژه شیر مدرسه از سال ۱۳۷۹ آغاز و معافیت مالیاتی شیر و پنیر اعمال شد. با این حال، در سال ۱۳۸۳ دولت افزایش ۱۶ درصد قیمت محصولات لبنی را تخلف اعلام کرد و محصولات غیر یارانه‌ای به گروه دوم کالایی منتقل شدند، که نظارت سختگیرانه‌تری را به دنبال داشت.

تثبیت قیمت و فشار بر تولیدکنندگان

فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ اوج فشار به این صنعت بود. مصوبه تثبیت قیمت‌ها در سال ۱۳۸۴ بدون توجه به افزایش هزینه‌های تولید در تولید شیر خام، بسته‌بندی و دستمزد، فشار بر تولیدکنندگان را افزایش داد. این سیاست تا سال ۱۳۸۸ ادامه یافت و تولیدکنندگان به دلیل زیان‌دهی بین تعطیلی کارخانه یا تخلف از قیمت‌های مصوب، گزینه دوم را

بازار سهام

بحران مقطعی

چرا بورس به این روز افتاد؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

بورس تهران در هفته گذشته با تداوم روند نزولی، یکی از بحرانی‌ترین مقاطع خود در سال ۱۴۰۴ را تجربه کرد؛ شاخص کل با از دست دادن کانال دو میلیون و ۶۰۰ هزار واحدی به پایین‌ترین سطح در ۱۴۵ روز کاری اخیر سقوط کرد و به پایین‌ترین سطح در ۱۴۵ روز کاری اخیر سقوط کرد و سرمایه‌گذاران حقیقی با خروج ۵۰ هزار میلیارد تومانی از بازار به سوی دارایی‌های امن‌تر مانند طلا و سپرده‌های بانکی هجوم بردند. بورس تهران در هفته گذشته با تداوم روند نزولی، یکی از بحرانی‌ترین مقاطع خود در سال ۱۴۰۴ را تجربه کرد؛ شاخص کل با از دست دادن کانال دو میلیون و ۶۰۰ هزار

انتخاب کردند. در سال ۱۳۸۹ با اجرای هدفمندی یارانه‌ها، شیر یارانه‌ای و پروژه شیر مدرسه حذف شدند که به عدم تعادل عرضه و تقاضای شیر خام منجر شد. به این ترتیب قیمت شیر خام از ۴۲۰۰ به ۱۱,۵۰۰ ریال (۲/۷ برابر) افزایش یافت اما تثبیت قیمت محصولات لبنی ادامه پیدا کرد. تحریم‌ها و افزایش قیمت ارز، هزینه نهاده‌های دامی را بالا برد و قیمت شیر خام در سال ۱۳۹۱ به ۹۶۰۰ ریال تثبیت شد. حداقل حقوق از ۱,۳۶۵,۹۲۰ به ۴,۳۴۷,۰۰۰ ریال (۳/۲ برابر) و مالیات ارزش افزوده از ۳ درصد به ۵ درصد افزایش یافت. در این دوره تعرفه‌های وارداتی و صادراتی (مانند افزایش تعرفه شیر خشک به ۹۰درصد در ۱۳۸۸ و کاهش آن به ۱ درصد در ۱۳۹۰) برای کنترل بازار اعمال شد.

اصلاحات ناکافی و هرج و مرج بازار

سومین دوره از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ را شامل می‌شود. در سال ۱۳۹۲ گزارش کارشناسی قوه قضائیه قیمت شیر



خام را ۱۱,۱۰۰ ریال تعیین کرد اما شکاف با قیمت واقعی بازار (۱۳,۰۰۰ ریال) ادامه یافت. در سال ۱۳۹۳ قیمت شیر خام مصوب ۱۴,۴۰۰ ریال اعلام شد اما به دلیل محاسبات نادرست، در بازار به ۱۲,۵۰۰ ریال کاهش یافت که تنش‌هایی بین شرکت‌های لبنی و دولت ایجاد کرد. در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ ممنوعیت واردات شیر خشک، عدم مجوز افزایش قیمت محصولات و افزایش مالیات ارزش افزوده (از ۶درصد به ۹درصد) فشار بر صنعت را تشدید کرد. از سال ۱۳۹۷ تحریم‌های جدید و جهش قیمت ارز (از ۴۲,۵۰۰ به ۳۱۰,۰۰۰ ریال در مقاطعی) قیمت نهاده‌ها و شیر خام را افزایش داد. قیمت شیر خام از ۱۱,۱۰۰ به ۴۶,۵۰۰ ریال (۴/۲ برابر) رسید. تعداد محصولات تحت قیمت‌گذاری از ۷۸ به ۱۰ قلم کاهش یافت اما عدم تناسب قیمت تمام‌شده و فروش همچنان مشکل‌ساز بود. حداقل حقوق از مبلغ ۵۳۲ هزار تومان به دو میلیون و ۶۱۰ هزار تومان افزایش یافت که حدود ۵ برابر افزایش بود.

واحدی به پایین‌ترین سطح در ۱۴۵ روز کاری اخیر سقوط کرد و سرمایه‌گذاران حقیقی با خروج ۵۰ هزار میلیارد تومانی از بازار به سوی دارایی‌های امن‌تر مانند طلا و سپرده‌های بانکی هجوم بردند. شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران طی تمام پنج روز معاملاتی هفته گذشته با کاهش مواجه شد و در نهایت سطحی که از آذرماه سال گذشته بی‌سابقه بود. این افت، نه‌تنها تمام رشد شاخص در سال جاری را از بین برد بلکه بخشی از دستاوردهای سال ۱۴۰۳ را نیز نابود کرد و بازدهی شاخص کل از ابتدای سال به محدوده منفی رسید. شاخص هم‌وزن نیز که معیاری دقیق‌تر برای سنجش وضعیت عمومی بازار و سهام کوچک و متوسط است در ادامه روند اصلاحی خود کانال ۸۰۰ هزار واحدی را از دست داد. این اتفاق، نشانه‌ای

مردمی‌سازی یارانه‌ها

چهارمین دوره را باید سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ دانست که طی آن در سال ۱۴۰۰ قیمت شیر خام به ۶۴,۰۰۰ ریال و در سال ۱۴۰۲ به ۱۵۰,۰۰۰ ریال (۲/۳۴ برابر) افزایش یافت. سال ۱۴۰۰ با انتخابات ریاست جمهوری و تغییر دولت همراه بود قبل از روی کار آمدن دولت جدید قیمت شیر خام ۶۴۰۰۰ ریال در قالب قانون خرید تضمینی محصولات کشاورزی ابلاغ شد. حذف ارز ترجیحی ۴۲,۰۰۰ ریالی در سال ۱۴۰۱ و افزایش آن به ۲۸۵,۰۰۰ ریال، قیمت شیر خام را دو برابر کرد. تعداد محصولات تحت قیمت‌گذاری دستوری از ۱۰ به ۴ قلم کاهش یافت اما قیمت‌گذاری این اقلام همچنان با سقف‌های غیرمنطقی (۲۰-۳۰درصد) ابلاغ شد که شکاف قیمتی بین محصولات تنظیم بازار و سایر محصولات را افزایش داد. معافیت مالیاتی ماست در سال ۱۴۰۰ و حذف مالیات پنی‌رهای طعم‌دار در ۱۴۰۱ گامی مثبت بود. حداقل حقوق نیز از رقم ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان به رقم ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد که حدود دو برابر بود. در این مدت نرخ تورم متوسط به ۴۴/۵ درصد رسید. طرح درج قیمت تولیدکننده شکست خورد و تولیدکنندگان ملزم به درج هر دو قیمت (تولیدکننده و مصرف‌کننده) شدند.

جمع‌بندی

چنان‌که شرح داده شد، شیر و محصولات لبنی در سه دوره ۸ ساله و یک دوره ۳ ساله همواره زیر ضرب قیمت‌گذاری دستوری و سرکوب قیمت قرار داشته است. هرچند این سرکوب قیمت و اعمال قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولتمردان دلایل به ظاهر موجهی چون استراتژیک بودن این محصولات در سبد غذایی خانوار،

لحاظ کردن قدرت خرید مردم برای تأمین امنیت غذایی و پرداخت یارانه به نهاده‌های دامی داشته اما تبعات این تصمیم برای تولیدکنندگان محصولات لبنی بسیار زیانبار بوده است. سیاست‌های قیمت‌گذاری دستوری در صنعت لبنیات با وجود توجیه حمایت از مصرف‌کننده، به دلیل نادیده گرفتن واقعیت‌های اقتصادی، به کاهش سرانه مصرف و تهدید سلامت غذایی منجر شده است. افزایش هزینه‌های تولید، تورم بالا، و نوسانات ارزی فشار سنگینی بر تولیدکنندگان وارد کرده و منطق بازار را مختل کرده است. از آنجا که افزایش قیمت با کاهش مصرف ارتباط مستقیم دارد، امروز بیش از گذشته با کاهش سرانه مصرف محصولات لبنی مواجه هستیم و این بدان معنی است که همه دلایلی که دولتمردان در توجیه اعمال قیمت‌گذاری دستوری به کار برده و می‌برند، منجر به نتیجه نشده است. پیشنهاد می‌شود با جایگزینی حمایت‌های هوشمندانه به جای کنترل‌های دستوری، تعادل عرضه و تقاضا برقرار شود تا سرانه مصرف لبنیات افزایش یابد و سلامت جامعه تضمین شود.

دیگر از فضای احتیاطی و شک‌کننده حاکم بر بازار بود؛ فضایی که در آن فشار فروش همچنان ادامه دارد و فقدان تقاضای موثر بیش از پیش نمایان شده است. یکی از بارزترین نشانه‌های رکود بازار، کاهش چشمگیر ارزش معاملات خرد است؛ در ۲۳ روز معاملاتی اخیر، ارزش معاملات خرد هیچ‌گاه از مرز ۱۰ هزار میلیارد تومان عبور نکرده و این موضوع، نبود نقدینگی و بی‌میلی سرمایه‌گذاران برای ورود به بازار سهام را به‌وضوح نشان می‌دهد. مهم‌ترین پرسش این روزهای بازار، نه درباره افت شاخص‌ها بلکه درباره چشم‌انداز آینده است. بازگشت شاخص کل به زیر دو میلیون و ۶۰۰ هزار واحد، در حالی رخ داده که بازار از قله ابتدای سال خود بیش از ۲۰درصد فاصله گرفته و بسیاری از نمادها حتی پایین‌تر از قیمت‌های پایان سال ۱۴۰۳ معامله می‌شوند. نبود حمایت مؤثر از سوی سیاست‌گذاران و بی‌عملی در برابر بحران اعتماد، بازار را در وضعیتی بلا تکلیف نگه داشته است. در حالی که بازار سرمایه در بسیاری از کشورها ابزاری برای رشد اقتصادی و تأمین مالی مولد است، بورس تهران همچنان درگیر نوسانات سیاسی‌گذاری و ضعف در نهادسازی است و بیش از تحولات اقتصادی تحت تأثیر نااطمینانی‌های کلان و فضای سیاسی قرار دارد.



زهرایی، اگر طرح‌های آبرسانی جدید هم اجرایی شوند اما کنترل جدی روی برداشت آب و کشت محصولات پرآب‌بر اعمال نشود، دریاچه تنها در بهار اندکی آب خواهد گرفت و تابستان دوباره خشکی را تجربه خواهد کرد.

آینده خشک شدن ارومیه

اگر ارومیه به‌طور کامل خشک شود، فاجعه زیست‌محیطی رخ می‌دهد. کارشناسان هشدار داده‌اند که خشک شدن این دریاچه ریزگردهای نمکی را چند برابر کرده و کیفیت هوا و سلامت ساکنان نواحی پیرامونی را شدیداً تهدید می‌کند. همان‌طور که سرنوشت دریاچه آرال به ما آموخت، احیای پس از آن بسیار دشوار است؛ امید می‌رود با چند سال پربارش و بازنگری اساسی در سیاست‌های آب و کشاورزی، ارومیه جان دوباره گیرد. اما بنفشه زهرایی و دیگر کارشناسان معتقدند حالا دیگر زمان راه‌حل‌های نمایشی گذشته و باید حقیقت تلخ را پذیرفت و سیاست‌های آب را با واقعیت ناگواری مانند کم‌آبی مزمن وفق داد. ایشان نتیجه گرفته‌اند «دریاچه ارومیه اکنون به یک تالاب فصلی تبدیل شده است و با ادامه این روند به سرنوشت دریاچه آرال دچار خواهد شد».

گزارش ویژه

همراه اول، نخستین اپراتور خارجی با خدمات حضوری در فرودگاه نجف

همراه اول با حضور در فرودگاه نجف اشرف و راه‌اندازی موبک خدماتی «۹۱۲» فصل تازه‌ای در ارائه خدمات حضوری به زائران اربعین گشود.

به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، نخستین و بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه کشور، امسال برای نخستین بار در ایام اربعین حسینی(ع) حضور ویژه و بی‌سابقه‌ای در فرودگاه نجف اشرف دارد.

اقدامی که ارائه خدمات ارتباطی «حضوری» به زائران که صرفاً از طریق اپراتورهای عراقی انجام می‌شد را متحول کرده و نقطه عطفی در تاریخ خدمات ارتباطی اربعین به شمار می‌رود.

ایسن حضور در قالب موبک خدماتی «۹۱۲» به صورت جامع از همه زائران ایرانی میزبانی می‌کند تا نشانی بر این باشد که همراه اول نه تنها در داخل کشور بلکه در مقاصد مورد استقبال ایرانیان نیز حضور دارد. این اقدام در بعد رفاهتی نیز موجب ارتقای کیفیت و تنوع خدمات اپراتورهای عراقی و در نهایت رضایت کامل همه زائران از خدمات اپراتورهای سیار می‌شود. همراه اول علاوه بر این حضور با ارائه بسته‌های ویژه رومینگ روی «درگاه #۹۴۰۰*)» و ارائه خدمات جامع دیجیتال در اپلیکیشن «همراه من» همچنین استقرار خادمان فنی در طول مسیر نجف تا کربلا و حرم‌های مطهر ائمه اطهار(ع) تجربه سفر زائران را آسان‌تر و بی‌دغدغه‌تر کرده است.



جبران‌ناپذیری چون نابودی منابع طبیعی و تشدید ریزگردها به‌همراه داشته باشد.

تلاش‌ها و کاستی‌ها در احیا

از حدود یک دهه پیش و با اوج‌گیری بحران، ستاد احیای دریاچه ارومیه تشکیل شد و طرح‌های بزرگی مانند انتقال آب از رودخانه زاب (تونل کانی‌سیب)، توسعه تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهری و اصلاح الگوی کشت به اجرا درآمد اما به‌رغم هزینه‌های سنگین و اجرای موقت چند پروژه، نتایج ماندگار حاصل نشد. کارشناسی می‌گویند فقدان تداوم برنامه‌ها، تغییر دولت‌ها و مدیریت سلیقه‌ای باعث شد حتی طرح‌های کلان هم ناقص بمانند. «احیای دریاچه ارومیه دیگر با گفتاردرمانی ممکن نیست»، این گزاره را متخصصان بخش آب بارها تکرار کرده‌اند. بنفشه زهرایی تأکید می‌کند که مشکل اساسی هنوز حل نشده است: «سطح زیر کشت فراتر از ظرفیت حوضه آبریز است و تا زمانی که سطح زیر کشت کاهش پیدا نکند، مشکل دریاچه ارومیه با راه‌حل‌های فناورانه قابل حل نیست». وی یادآور شده، طرح‌هایی مانند نصب پنل خورشیدی بر بستر دریاچه بدون کاهش مصرف آب کشاورزی بی‌اثر خواهند بود. به عبارت دیگر به باور

طبیعی و انسانی است که در طول دهه‌ها به تدریج بر هم انباشته شده‌اند. کاهش چشمگیر بارندگی، که در چند دهه اخیر به حدود ۴۰ درصد افت رسیده، همراه با افزایش دما، موجب تشدید تبخیر و کاهش ذخایر آبی شده است. هم‌زمان، ساخت ده‌ها سد کوچک و بزرگ بر روی رودخانه‌های ورودی و تغییر مسیر طبیعی آنها به‌واسطه راه‌سازی و احداث تونل‌های انتقال آب، بخش عمده‌ای از جریان ورودی به دریاچه را مسدود کرده است. علاوه بر این، توسعه بی‌رویه کشاورزی و حفر بیش از ۶۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز، برداشت آب را به سطحی فراتر از توان حوضه رسانده است. بر اساس برآورد کارشناسان، حدود ۸۵ درصد از افت آب دریاچه ناشی از سدسازی، کشاورزی و برداشت بی‌رویه آب بوده و سهم تغییرات اقلیمی در این میان تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد برآورد می‌شود.

با این همه، خشک شدن ارومیه پیامدهایی فاجعه‌آمیز خواهد داشت. متخصصان محیط زیست می‌گویند افزایش توفان‌های نمکی ناشی از بستر شور‌هزار و نابودی زیست‌بوم‌های منحصربه‌فرد منطقه از پیامدهای ناگزیر این بحران است. وضعیت کنونی شباهت زیادی به فاجعه دریاچه آرال در آسیای مرکزی دارد؛ آرال زمانی چهارمین دریاچه بزرگ دنیا بود اما اکنون تنها حدود ۱۰ درصد از مساحت خود را حفظ کرده و بقیه بستر آن تبدیل به صحرایی خطرناک شده است. رسیدن ارومیه به چنین نقطه‌ای می‌تواند، پیامدهای

رسانه

کارخانه تولید سکوت

هشدار انجمن صنفی: در غیاب صدای خبرنگاران، بیگانگان روایت گر می‌شوند

پنهان و دستورالعمل‌های پشت پرده تنها بی‌اعتمادی عمومی را تشدید می‌کند و تغییرات اخیر در برخی نهادهای امنیتی باید سرآغازی برای عبور از رویکرد سلبی باشد. همچنین تأکید شده است که قانون‌گذاری در حوزه رسانه در سال‌های اخیر بیشتر در خدمت محدودسازی بوده تا حمایت در حالی که هر قانون جدید باید با مشارکت مستقیم اصحاب رسانه و بر پایه منطق حقوقی شفاف تدوین شود؛ رسانه نهادی زنده و پویاست و برخورد با خطا باید از مسیر اصلاح تدریجی و ارتقای سواد رسانه‌ای انجام گیرد نه سرکوب و مجازات.

روایت جنگ ۱۲ روزه زیر سایه سانسور

نشست «همبستگی اجتماعی و دفاع ملی؛ تجربه‌ها و چالش‌های روزنامه‌نگاران» که به تازگی برگزار شد، فرصتی بود تا خبرنگاران درباره عملکرد رسانه‌ها در جنگ ۱۲ روزه و موانع روایت‌گری مستقل بحث کنند. مهرک محمودی، سردبیر مجله پیوست در این نشست گفت: «ما مرجعیت رسانه‌ای خود را به خاطر سانسور از دست دادیم. وقتی سانسور وجود دارد، نمی‌توانیم به مخاطب بگویم که ایران اینترنشنال و امثالهم دروغ می‌گویند.» به گفته او در روزهای حمله اخیر، کاربران در تویتر مشغول مخابره اخبار و تصاویر خرابی‌های اطرافشان بودند که اینترنت قطع شد و فضا عملاً در اختیار حامیان حمله نظامی قرار گرفت. محمودی تصریح کرد، فشار بر خبرنگاران برای انتشار اخبار واقعی نیز شدید بود و این شرایط، مرجعیت رسانه‌های داخلی را تضعیف کرده است. غزل حضرتی، خبرنگار اعتماد، تجربه خود از روزهای جنگ را این‌گونه بیان کرد: «در جریان حملات، مرتب گفته می‌شد جز صداوسیما هیچ‌کس حق ندارد مجوز دریافت کند. این انحصار صداوسیما در پوشش خبر عملاً امکان کار را از سایر رسانه‌ها سلب کرد». او افزود در موارد متعددی خبرنگاران قصد داشتند نشان دهند حملات اسرائیل، غیرنظامیان را هدف قرار داده اما اجازه روایت واقعیت داده نشد.

صدای خبرنگار یا صدای بیگانه؟

یکی از محورهای اصلی انتقاد روزنامه‌نگاران، پیامدهای سانسور و محدودیت رسانه‌ای بر «تبرد روایت‌ها» بود. هادی حیدری، کاریکاتورست و فعال رسانه‌ای در همین نشست تأکید کرد که مرجعیت رسانه‌ای کشور باید احیا شود. به عقیده او در روایت‌سازی رسانه‌ای باید از نیروهای حرفه‌ای و دلسوز ملی استفاده کرد و رگنه نتیجه آن می‌شود که «اگر صدای روزنامه‌نگار ایرانی شنیده نشود، صدای رسانه بیگانه شنیده می‌شود». حیدری با انتقاد از برخوردهای سلیقه‌ای با خبرنگاران گفت، برخی از کسانی که امروز در رسانه‌های معاند علیه کشور فعالیت می‌کنند، روزی همکاران ما بودند که به دلیل همین برخوردهای تند و تنگ‌نظرانه از

گروه اجتماعی: دریاچه ارومیه که زمانی نگین فیروزه‌ای شمال‌غرب ایران بود، هم‌اکنون به شور‌هزاری گسترده تبدیل شده است. بنفشه زهرایی، مدیر مؤسسه آب دانشگاه تهران هشدار داده که شاید «اکنون هم دریاچه به فاز بدون بازگشت رسیده باشد و دیگر نتوانیم هیچ‌وقت دریاچه ارومیه را به شکل یک دریاچه مانند سابق داشته باشیم». او می‌گوید در چند دهه اخیر، بارش‌ها حدود ۴۰ درصد کاهش یافته و تبخیر شدید تابستانه باعث شده، میزان آب هر سال بیش از پیش افت کند.

کارشناسان محیط زیست هشدار می‌دهند، وضعیت دریاچه فوق‌العاده وخیم است. حجت جباری، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست آذربایجان غربی، اعلام کرده تا امروز بخش شمالی دریاچه تقریباً «خالی از آب» شده و تنها لایه‌ای نازک (۵-۴ سانتی‌متر) در مساحتی نزدیک به ۱۰۰ کیلومتر مربع باقی مانده است. او تصریح کرده این اولین بار است که احتمال می‌دهیم، شمال دریاچه طی روزهای آینده «به‌طور کامل» خشک شود. همچنین در بخش جنوبی حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر مربع آب کم‌عمق (۱۵-۲۰ سانتیمتر) باقی‌مانده که در صورت ادامه تبخیر تابستانه، احتمال دارد تا پایان تابستان امسال نیز کاملاً خشک شود. این وضعیت در مجموع به معنی خشکسالی صددرصدی دریاچه ارومیه خواهد بود.

خشک شدن دریاچه ارومیه حاصل مجموعه‌ای از عوامل

رسانه

کارخانه تولید سکوت

هشدار انجمن صنفی: در غیاب صدای خبرنگاران، بیگانگان روایت گر می‌شوند

گروه اجتماعی: در روز خبرنگار، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران با صدور بیانیه‌ای خواستار بازنگری فوری در نگاه حاکمیت به رسانه‌ها شد. این انجمن تأکید کرد، رسانه‌های آزاد و مستقل نه تنها تهدیدی برای حاکمیت نیستند بلکه تضمینی برای دوام و اصلاح‌پذیری آن به‌شمار می‌روند. هم‌زمان در یک نشست تخصصی با حضور جمعی از روزنامه‌نگاران، از پیامدهای سانسور، انحصار رسانه‌ای و برخوردهای سلیقه‌ای با مطبوعات انتقاد و هشدار داده شد که در غیاب صدای خبرنگاران داخلی این رسانه‌های بیگانه هستند که مرجعیت خبری را به دست می‌گیرند.

رسانه؛ رکن شفافیت و توسعه کشور

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران در بیانیه خود به مناسبت ۱۷ مرداد، روز خبرنگار یادآور شد که رسانه در هر نظام حکمرانی صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی نیست بلکه رکن چهارم قدرت و نه از پایه‌های ثبات، شفافیت و سلامت جامعه است. در این بیانیه آمده است، رسانه‌های حرفه‌ای و مستقل با افشای فساد، تبیین تصمیمات حاکمیت و بازتاب صدای مردم به اصلاح سازوکارها و افزایش کارآمدی حکومت کمک می‌کنند. نظام‌هایی که رسانه را شریک حکمرانی بدانند، مسیر توسعه پایدار را هموار خواهند کرد؛ در مقابل، انکا به رسانه‌های فرمایشی و تبلیغاتی شاید در کوتاه‌مدت سکوت و رضایتی کاذب ایجاد کند اما در بلندمدت مشروعیت حاکمیت و اعتماد عمومی را فرسایش می‌دهد. این انجمن با اشاره به تحولات اخیر از حاکمیت خواست تا دیر نشده، رویکرد خود را تغییر دهد و تقویت رسانه‌های مستقل را نه یک تهدید بلکه تضمینی برای بقای نظام بداند. به باور روزنامه‌نگاران، بازگشت به عقلانیت و ساختار صحیح رسانه‌ای تنها راه پژوهاک یافتن صدای حقیقت در جامعه است. در بیانیه تأکید شده است که آینده‌ای روشن و ایران توسعه‌یافته در گرو وجود قلم‌های آزاد، رسانه‌های مستقل و مردم آگاه خواهد بود.

دغدغه‌های هفت‌گانه روزنامه‌نگاران

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران در بیانیه خود مجموعه‌ای از نگرانی‌ها و مطالبات اساسی را مطرح کرد که از نظر اعضای آن، سرنوشت آینده رسانه در کشور به تحقق آنها گره خورده است. در این بیانیه آمده است که طی ماه‌های اخیر به‌ویژه در جریان جنگ ۱۲ روزه حدود ۱۵۰ خبرنگار کار خود را از دست داده‌اند و معیشت آنان به خطر افتاده است؛ وضعیتی که ضرورت ایجاد سازوکاری فوری برای حمایت اقتصادی از رسانه‌های مستقل و روزنامه‌نگاران را – بدون کوچک‌ترین دخالت در استقلال تحریریه‌ها – دوچندان می‌کند. به باور انجمن، بازتعریف رابطه حاکمیت با رسانه ضرورتی فوری است چراکه ادامه محدودیت‌ها، ممنوعیت‌های



سال هشتم شماره ۲۰۳۵
شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۴



حافظه

بررسی رخدادهای تاریخی

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آیین‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

اختصاص تسهیلات روستایی لرستان

خرم‌آباد- پروین بازگیر: مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی لرستان گفت: تسهیلات مقاوم‌سازی سال ۱۴۰۳ ۷ هزار و ۵۰۰ واحد مسکن روستایی به شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر استان تخصیص یافت. پویا تابعی افزود: در این راستا برای هر واحد چهار میلیارد ریال وام با کارمزد پنج درصد، سفته زنجیره‌ای و بازپرداخت ۲۰ ساله پرداخت می‌شود. وی با بیان اینکه هم‌اکنون حدود ۲۳ درصد واحدهای مسکونی روستایی لرستان نایلم است، تصریح کرد: براساس آخرین سرشماری نفوس مسکن سال ۹۵ حدود ۱۵۳ هزار واحد مسکونی روستایی در لرستان وجود دارد که ۱۱۹ هزار واحد از این تعداد مقاوم‌سازی شده و از همه روستاییان تقاضا می‌شود با مراجعه به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان‌ها برای مقاوم‌سازی این واحدهای مسکونی نایلم اقدام کنند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۶۸۵۳ تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای لطف اله اسدی فرزند اسداله در ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۱۰۶۰۰۰ مترمربع به شماره کلاسه ۱۷۸۳/۱۴۰۳/۱ قسمتی از پلاک ۱۸- اصلی واقع در اراضی غربی محله بخش ۱۹ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده از مالک غیررسمی رجب اسدی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایندبدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۱۹۶۹۹۹۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

محمدحسن صادقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی اختصاصی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نور

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود به پلاک ۱۸۷ فرعی از ۶ - اصلی واقع در قریه ل زیر بخش ۶ ثبت نور به نام آقای / خانم فرهاد فلاح زاده فرزند دود به مساحت ۲۴۹۰۰۲ مترمربع طبق رای شماره ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ صبح روز شنبه ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد.

لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق اترفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۷۴و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸
شناسه آگهی: ۱۹۷۹۱۱۶

علی سعادت
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نور

تقویم: فقیه عالی

سیدابوالقاسم موسوی‌خویی از بزرگ‌ترین مراجع تقلید شیعه در قرن چهاردهم هجری بود که بیش از ۷۰ سال در حوزه علمیه نجف تدریس و شاگردپروری کرد. او در شهر خوی به دنیا آمد و از نوجوانی برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت و درس خواند. ایشان به سرعت به‌عنوان فقیهی صاحب‌نظر، اصولی و دقیق‌نگر شناخته شد و پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی به یکی از مراجع اصلی شیعیان جهان بدل شد. روش علمی او در فقه و اصول مبتنی بر استدلال عقلی، دقت در مبانی و دوری از جدل‌های غیرعلمی بود. آیت‌الله خویی نه‌تنها یک مدرس برجسته بلکه یک سازمان‌دهنده نیرومند در عرصه اجتماعی و خیریه بود. او مؤسسات دینی، مدارس، مساجد و مراکز خیریه متعددی را در عراق، ایران، لبنان و دیگر کشورها، بنیان‌گذاری یا حمایت کرد. ایشان به دلیل موقعیت و نفوذش تحت فشار شدید حکومت صدام حسین قرار گرفت و مدتی در حصر خانگی بود. حکومت بحث بسیاری از مدارس و مؤسسات وابسته به او را تعطیل یا مصادره کرد. او در سال ۱۳۷۱ش درگذشت و پیکرش در صحن حرم امام علی (ع) به خاک سپرده شد.

روز رسوایی

درباره سالگرد واترگیت و استعفای ریچارد نیکسون که روایت یک رسوایی تاریخی است

علیرضا گوهری

گروه تاریخ

ساعت هنوز ۸ نشده بود که جمعی از خبرنگاران، فیلم‌برداران و عکاسان، پشت درهای کاخ سفید صف کشیده بودند. آنها می‌دانستند امروز روزی است که وارد تاریخ می‌شود. در اتاق بیضی، ریچارد نیکسون، مردی که با وعده بازگرداندن عزت آمریکا دوبار پیروز انتخابات شده بود، کت و شلوار تیره‌اش را مرتب می‌کرد و نظق

چهره‌اش که سال‌ها با ابخندی حساب‌شده بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شد، این بار خسته، سنگین و عاری از اعتمادبه‌نفس بود. او می‌دانست که بازی تمام شده است.

در طول دو سال گذشته، ماجرای که از یک سرقت شبانه در

ساختمان حزب دموکرات شروع شده بود به یک توفان سیاسی تبدیل شده بود که هیچ قدرتی قادر به مهار آن نبود. نوارهای ضبط شده، شهادت‌ها و اسناد، پرده از واقعیتی برداشتند که برای بسیاری غیرقابل تصور بود. رئیس‌جمهور ایالات متحده، شخصاً در برنامه‌ریزی برای جاسوسی از رقبای سیاسی و پنهان‌کاری سازمان‌یافته برای جلوگیری از افشای آن نقش داشته است.

اکنون، این مرد که زمانی نماد اقتدار و نظم آمریکایی به شمار می‌رفت در آستانه تبدیل شدن به اولین رئیس‌جمهور تاریخ این کشور بود که پیش از پایان دوره، داوطلبانه از قدرت کناره‌گیری می‌کند. واترگیت نه فقط کاخ سفید که اعتماد یک ملت را ویران کرد. این داستان، حکایت سقوط از قله قدرت به دره بی‌اعتباری است؛ روایتی از اینکه چگونه یک رئیس‌جمهور می‌تواند با دسیسه و دروغ، مردم‌ش را بفریبد و چگونه حقیقت، هرچند دیر، می‌تواند او را به زانو درآورد.

واترگیت از کجا شروع شد؟

ننام «واترگیت» در اصل به یک مجتمع تجاری-اداری و هتل در واشینگتن دی‌سی اشاره داشت که ساختمان کمیته ملی حزب دموکرات در آن قرار داشت. در بمادد ۱۷ ژوئن ۱۹۷۲ نگهبان ساختمان متوجه نوارچسپ‌هایی شد که قفل در اضطراری را باز نگه داشته بود. او پلیس را خبر کرد و مأموران پنج مرد را در حال نصب میکروفن و عکاسی از اسناد محرمانه در دفتر دموکرات‌ها دستگیر کردند.

در پرونده واترگیت، ریچارد نیکسون این مسیر را گام‌به‌گام پیمود. همه چیز از یک عملیات غیرقانونی شروع شد: نفوذ شبانه به دفتر کمیته ملی حزب دموکرات، نصب شنود و عکاسی از اسناد محرمانه. در حالت عادی، یک رهبر سیاسی می‌توانست با پذیرش مسئولیت و تئیه عاملان، ماجرا را مهار کند. اما نیکسون راه دیگری را انتخاب کرد. راهی که نشان می‌دهد یک رئیس‌جمهور چگونه می‌تواند از قدرت خود برای فریب همان مردمی استفاده کند که به او رأی داده‌اند.

بالافاصله پس از دستگیری عوامل نفوذ، نیکسون و حلقه نزدیکش تصمیم گرفتند، ارتباط کاخ سفید با ماجرا را «قطع شده» جلوه دهند. آنها در برابر رسانه‌ها گفتند این صرفاً یک «سرقت معمولی» بوده است. در پشت پرده، با پول نقد از بودجه انتخاباتی، سکوت متهمان خریده شد و به آنان وعده داده شد که پس از آزادی، مشاغل دولتی یا حمایتی ویژه دریافت خواهند کرد.

وقتی اف‌بی‌آی و دادستانی فدرال شروع به کندوکاو کردند، کاخ سفید به‌طور مستقیم وارد عمل شد. دستور داده شد که مسیر تحقیقات منحرف شود، مأموران کلیدی جابه‌جا و حتی بعضی پرونده‌ها موقتاً بایگانی شوند. اینجا جایی است که قدرت ریاست‌جمهوری از یک موقعیت مدیریتی به ابزاری برای جلوگیری از اجرای عدالت تبدیل شد. نیکسون در سخنرانی‌های تلویزیونی و نشست‌های خبری با لبخند و اعتمادبه‌نفس هرگونه دخالت خود یا مشاوران ارشدش را انکار می‌کرد. او حتی خود را قربانی «دشمنی رسانه‌ها» معرفی کرد و مدعی شد، مخالفان سیاسی‌اش می‌خواهند با «شایعه‌سازی» نتیجه انتخابات را زیر سؤال ببرند. برای بسیاری از شهروندان، این سخنان در آن زمان قانع‌کننده به نظر می‌رسید چون از زبان عالی‌ترین مقام کشور گفته می‌شد. کاخ سفید همه مکالمات داخلی را ضبط می‌کرد اما وجود این نوارها تا مدت‌ها پنهان نگه داشته شد. وقتی کنگره و دادگاه خواستار تحویل آنها شدند، نیکسون



با استناد به «حق محرمانگی ریاست‌جمهوری» مقاومت کرد. او می‌خواست از حریم قانونی مقام خود به‌عنوان سپری برای نگه داشتن حقیقت در تاریکی استفاده کند.

در طول رسوایی، نیکسون سعی کرد افکار عمومی را به سمت موضوعات دیگری منحرف کند: از سفر تاریخی‌اش به چین و موفقیت‌های سیاست خارجی گرفته تا آمارهای اقتصادی. این تکنیک، که در علم ارتباطات به «agenda setting» معروف است، یکی از ابزارهای کلاسیک فریب افکارعمومی است؛ یعنی پرزنگ کردن موضوعات دلخواه برای کم‌رنگ کردن بحران اصلی.

وقتی خبر بازداشت پنج سارق منتشر شد، کاخ سفید به سرعت تلاش کرد، ارتباط ماجرا با رئیس‌جمهور را انکار کند اما در پشت پرده، نیکسون و نزدیک‌ترین مشاورانش از جمله «هال‌دمن» و «اِهرلیچمن» مشغول هماهنگی برای پنهان کردن نقش دولت در این عملیات بودند. آنها از منابع مالی غیرقانونی برای خرید سکوت متهمان استفاده کردند به اف‌بی‌آی فشار آوردند تا مسیر تحقیقات را محدود کند و در عین حال، جلوی افشای اسناد حساس را گرفتند. این اقدامات همان لاپوشانی سیستماتیک بود که بعداً جرم اصلی شناخته شد.

دو نیروی مهار قدرت

واترگیت به یکی از مشهورترین نمونه‌های همکاری رسانه‌های آزاد و نهادهای قانون‌گذاری در تاریخ آمریکا بدل شد. دو خبرنگار جوان واشینگتن پست، باب وودوارد و کارل برنستین با استناد به منابع ناشناس (از جمله مأمور اف‌بی‌آی معروف به «دِیپ‌تروت») به ارتباط

مستقیم متهمان با ستاد انتخاباتی نیکسون پی بردند. گزارش‌های آنها که با دقت مستند می‌شد، فشار افکار عمومی را بالا برد. از سوی دیگر کنگره آمریکا، کمیته‌ای ویژه تشکیل داد و از کاخ سفید خواست نوارهای مکالمات تلفنی و جلسات نیکسون را تحویل دهد. مقاومت کاخ سفید و استناد نیکسون به «اختیارات ویژه ریاست‌جمهوری» باعث بحران حقوقی شد که در نهایت، دیوان عالی آمریکا، حکم داد رئیس‌جمهور باید نوارها را ارائه کند.

وقتی نوارها به دست کمیته تحقیق رسید، شوک بزرگی به کشور وارد شد. صدای نیکسون در همان روزهای نخست پس از دستگیری عوامل واترگیت شنیده می‌شد که با مشاورانش درباره «چگونه متوقف کردن تحقیقات» و «پرداخت پول برای سکوت متهمان» حرف می‌زد. این مدارک، دیگر جایی برای تردید باقی نگذاشت: رئیس‌جمهور، نه‌تنها از عملیات جاسوسی خبر داشته بلکه دستور پنهان‌کاری را هم شخصاً صادر کرده است.

در تابستان ۱۹۷۴ کمیته قضایی مجلس نمایندگان سه بند اتهامی علیه نیکسون تصویب کرد: کارشکنی در اجرای عدالت، سوء استفاده از قدرت و بی‌اعتنایی به کنگره. رأی‌گیری نهایی برای استیضاح قطعی به نظر می‌رسید. در این شرایط، رهبران حزب جمهوری‌خواه به دیدار نیکسون رفتند و گفتند که حمایت سیاسی از او فروپاشیده است. در ۸ آگوست، نیکسون در نظق تلویزیونی، استعفای خود را اعلام کرد و روز بعد رسماً قدرت را به معاونش، جرال‌فورد، واگذار کرد. چند هفته بعد، فورد با صدور عفو کامل، پرونده قضایی نیکسون را بست؛ اقدامی که تا امروز بحث‌برانگیز مانده است.

میراث واترگیت

واترگیت، اعتماد مردم آمریکا به نهاد ریاست‌جمهوری را به شدت کاهش داد و باعث اصلاحات مهمی شد از جمله محدودیت در کمک‌های مالی انتخاباتی و نظارت بیشتر کنگره بر فعالیت‌های کاخ سفید. اما مهم‌ترین پیام آن این است که دموکراسی بدون شفافیت به‌سرعت می‌تواند به بازیچه قدرت شخصی تبدیل شود. این رسوایی نشان داد که رسانه‌های مستقل، دستگاه قضایی آزاد و پارلمان قوی، تنها ابزارهای واقعی مهار قدرت‌اند. واترگیت به مردم آمریکا یادآوری کرد که حتی در نظام‌های مدعی آزادی باید همیشه نسبت به حاکمان هشیار بود؛ چراکه دروغ و پنهان‌کاری مرز و جغرافیا نمی‌شناسند.

فریب مردم در دستان یک رئیس‌جمهور آمریکا و البته دیگر کشورها معمولاً با یک دروغ کوچک آغاز می‌شود. دروغی که شاید ابتدا فقط برای پوشاندن یک خطای تاکتیکی یا یک تصمیم بحث‌برانگیز گفته شود اما وقتی در رأس هرم قدرت باشید، این دروغ‌ها به سرعت به شبکه‌ای از پنهان‌کاری، دستکاری و سوء استفاده از اختیارات تبدیل می‌شوند.

در مجموع، واترگیت نشان داد که فریب مردم توسط یک رئیس‌جمهور الزاماً با یک تصمیم بزرگ و ناگهانی رخ نمی‌دهد بلکه مثل یک زنجیر است: یک عمل غیرقانونی، یک دروغ اولیه برای پوشاندن آن، فشار بر نهادهای نظارتی، کنترل روایت در رسانه‌ها و نهایتاً استفاده از جایگاه ریاست‌جمهوری برای پنهان کردن حقیقت. نیکسون در این مسیر، قدم‌به‌قدم اعتماد ملت را خرج بقای سیاسی خود کرد، تا جایی که نه مردم، نه رسانه‌ها و نه حتی حزب خودش حاضر به ادامه حمایت از او نشدند.